

سیره پیامبر خدا (ص) و اهل بیت (ع) در مورد تلاوت قرآن





الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد (صلى الله عليه واله وسلم)
و اهل بيته الطاهرين

یکی از بهترین هدایای خداوند مهربان به بندگانش، قرآن کریم است. کتابی که سراسر نور و هدایت و سعادت و خوشبختی است. به بهترین زبان و با بهترین فصاحت و بلاغت و هنر نازل شده و در اختیار بشریت قرار گرفته است.

قرآن کتابی است که همه نیازهای بشر در آن بیان شده است. در این زمینه روایتی است:

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمودند:

{ان الله تبارك و تعالى لم يدع شيئا تحتاج اليه الامم الا نزل في كتابه و بينه لرسوله}.¹

خداوند تبارك و تعالى هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است مگر آنکه آنها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر(ص) بیان کرده است.

قرآن قانون اساسی ما مسلمانان است. لذا باید مرتب آن را بخوانیم و به آن عمل نماییم. همانگونه که

خداوند دوبار در ایه 20 مزمل می فرماید: **قَارِءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ**

باندازه توان تان قرآن بخوانید.

محمد مصطفی (ص) و بعد امیرمومنان علی بن ابی طالب (ع) و زهراى مرضيه(س) و یازده امام و بعد از آنها، علمای ربانی و اولیاء خدا قرآن را مرتب تلاوت می کردند و به آن عمل می نمودند.

استفاده از قرآن کریم اداب و شرایطی دارد که با بررسی روش اهل بیت علیهم السلام و علمای ربانی از این کتاب اسمانی ما هم می توانیم بهره کافی را از این کتاب پر از درس های زندگی ببریم.

در این کتاب در مورد سیره نبوی و اهل بیت کرام و علمای ربانی درباره تلاوت قران و بهره مندی از این مائده معنوی اسمانی مطالب متنوعی را آورده ایم امید است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار بگیرد.

پاییز 99- کرمانشاه

تلاوت مسبحات قبل از خواب

رسول خدا نمی خوابید تا مسبحات را قرائت کند و می فرمود: در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه برتر است

گفتند مسبحات کدام سوره ها است فرمود: سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن^۲

و از جابر نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید تا سوره تبارک و الم تنزیل را قرائت کند.^۳

امام علی علیه السلام چنان بود که دو ثلث آخر شب را به نماز و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و ثلث اول شب را استراحت می کرد^۴

هنگامی که فرق مبارک امام علی علیه السلام را در چنین ایامی شکافتند و بشریت را تا ابد عزادار کردند ایشان باز هم آیات الهی را زمزمه می کرد و این آیات را تلاوت فرمود: «منها خلقنکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخرى» و نیز آیه «هذا ما وعدنا الله و رسولہ و صدق الله و رسولہ».

».

^۲ سنن النبی، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه حسین استادولی، ص 158

^۳ سنن النبی، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه حسین استادولی، ص 158

^۴ . شواهد التنزیل، ترجمه روحانی، ص 271

ابی عبد الرحمن سلمی که خود از قاریان بزرگ جهان اسلام است می گوید

.کسی را ندیده ام که قرآن را بیش از علی بن ابیطالب علیه السلام بخواند^۵

.یکی از زیباترین مظاهر عشق به تلاوت قرآن در شب عاشورا جلوه نمود

حضرت سید الشهداء علیه السلام آن شب را از سپاه کوفه فرصت خواست تا بتواند تا صبح

قرآن بخواند و با خدای خود راز و نیاز کند. آن شب از خیمه های یاران امام

حسین علیه السلام صدای صوت قرآن و ذکر و دعا زیاد شنیده می شد. (شهید مطهری، مرتضی،

تفسیر سوره نحل، ص 105

در مسیر مدینه به کوفه هنگامی که خبر شهادت مسلم بن عقیل را به امام

حسین علیه السلام دادند، حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود: مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا

عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

﴿احزاب ۲۳﴾^۶

از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند

امام زین العابدین علیه السلام می فرمود

.لومات من بین المشرق و المغرب لما استوحشت بعد ان يكون القرآن معی

۵. ری شهری، موسوعه الامام علی بن ابیطالب، ج 10، ص 57

۶. مجموعه آثار شهید مطهری، ج 17، ص 149

اگر همه آنان که میان مشرق و مغرب عالم اند بمیرند [و من تنها بمانم] بیمی به
دل راه نمی دهم بعد از آنکه قرآن در کنار من است.^۷

مالک پیشوای فرقه مالکیه می گوید: من مدتی نزد امام صادق علیه السلام رفت و آمد
داشتم. در این مدت وی را ندیدیم مگر در یکی از سه حالت؛ یا در حال نماز بود، یا
در حال سکوت به سر می برد و یا آن که قرآن تلاوت می کرد.^۸

معاویه بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قرآن را بخواند بی نیاز
باشد و دیگر نیازی پس از آن برای او نباشد و گرنه (اگر قرآن او را بی نیاز نسازد)
هیچ چیز بی نیاز کننده او نخواهد بود.^۹

امام موسی بن جعفر علیهما السلام مدتی از عمر گرامی خود را در زندان های هارون
گذراند. تمام کسانی که خبری از امام در آن سالها گفته یا نوشته اند عبادت خدا و
تلاوت قرآن را برنامه روزانه امام گزارش کرده اند

پس از آن که فضل بن ربیع حاضر به قتل امام نشد، هارون دستور داد که
حضرت را نزد فضل بن یحیی برمکی فرستاده و زندانی کنند. فضل بن یحیی یکی
از اطاق های خانه خود را به آن حضرت اختصاص داد و در ضمن دستور داد

^۷ . بحار الانوار، ج 46، ص 107

^۸ . بحار الانوار، ج 17، ص 32

^۹ . ثواب الاعمال، ترجمه غفاری، ص 230

مواظب اعمال آن حضرت باشند. به او خبر دادند این مرد در همه شبانه روز کارش نماز و دعا و تلاوت قرآن است.^{۱۰}

منهم آیاتی را خواندم که ناگاه اشکهای پیامبر سرازیر شد...

«عبدالله بن مسعود می گوید: روزی پیامبر از من خواست آیاتی را برایش تلاوت کنم. گفتم: یا رسول الله برای شما قرآن بخوانم در حالیکه قرآن بر شما نازل شده است. پیامبر فرمود: دوست دارم از زبان تو بشنوم.

منهم آیاتی را خواندم که ناگاه اشکهای پیامبر سرازیر شد.»

«امام حسن (ع) وقتی به آیات بهشت و جهنم می رسید، اشک از چشمانش می آمد.»

«امام رضا (ع) هر سه روز یک قرآن ختم می کرد و می فرمود اگر بخواهم می توانم در کمتر از سه روز هم ختم نمایم ولی من هیچ آیه ای رانمی خوانم الا اینکه درباره آن فکر می کنم که برای چه نازل شده و در چه محلی فرو فرستاده شده است.

اکثر شبها را احیاء می داشت و هر شب نماز جعفر طیار را می خواند. و اکثر روزها روزه بود.

۱۰. ثواب الاعمال، ترجمه غفاری، ص 230¹⁰

دربستر که دراز می کشید صدای قرائت قرآن حضرت بگوش می رسید.

وقتی در تلاوت قرآن به آیه ای می رسید که در آن ذکر بهشت یا جهنم شده بود، گریه می کرد و از خدا بهشت را می طلبید و از جهنم به خدا پناه می برد.

وقتی امام رضا علیه السلام یک عبا به دعبل خزاعی هدیه داد، فرمود:
در این عبا هزار شب، شبی هزار رکعت نماز خوانده ام و در این
عبا هزار ختم قرآن کرده ام.»

در کتاب عیون اخبار الرضا آمده: مأمون هرگاه امام رضا علیه السلام را می آزمود و از او درباره چیزی سوأل می کرد امام پاسخ او را از قرآن می داد.^{۱۱}

رجاء بن ضحاک نیز می گوید: حضرت رضا علیه السلام در راه خراسان چون به میان

رختخواب می رفت تلاوت بسیار می فرمود و چون به آیه ای می رسید که در آن ذکر بهشت یا دوزخ بود می گریست و از خدا تقاضای بهشت و دوری از جهنم می نمود.^{۱۲}

صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۹۳^{۱۱}

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۸، باب ۲۷^{۱۲}

امام هادی علیه السلام نیز بعد از نماز صبح نمی خوابید و به تعقیب و ذکر و تلاوت قرآن مشغول می شد و این روش و برنامه هر روز آن بزرگوار بود.^{۱۳}

درباره امام عسکری علیه السلام نقل شده آن گاه که مردم را مژده می داد و یا آنان را از عذاب خدا می ترساند قرآن تلاوت می کرد.^{۱۴}

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به مردم سفارش می کرد به قرآن پناه ببرید و آن را امام و پیشوای خود قرار دهید و از مردم می خواست به قرآن اقتدا کنند. ایشان می فرماید
من جعله امامه قاده إلى الجنة و من جعله خلفه ساقه إلى النار...^{۱۵}

یعنی: هر کس آن (قرآن) را پیش روی خود قرار دهد او را به سوی بهشت رهنمون می شود و هر کس آن را پشت سر خود قرار دهد (و به آن بی اعتنایی کند) او را به سوی جهنم خواهد راند.

بانوی بزرگوار اسلام، فاطمه علیها السلام در خطبه ای که پس از ارتحال پدر گرامی اش در

تاریخ زندگی ائمه علیهم السلام، ص 264^{۱۳}

شذرات الذهب، ج 2 ص 128^{۱۴}

بحار الانوار، ج 92، ص 17^{۱۵}

مسجد پیامبر در جمع اصحاب ایراد فرمود قرآن را وسیله نجات و راه سعادت و

:موجب خشنودی خداوند خواند

و قائد الى الرضوان اتباعه و مؤ الى النجاه اشياعه ...¹⁶

قرآن پیروان خود را به سوی خشنودی خداوند می کشاند و راه نجات را به آنان

می نمایاند

امام حسن علیه السلام فرمود:

مابقى فى الدنيا بقيه غير هذا القرآن فاتخذوه اماما يدلکم على هديکم¹⁷

در دنیا غیر از این قرآن باقی نمانده، پس او را پیشوای خود قرار دهید تا شما را

به راه نجات هدایت کند.

روایت شده که امام حسین علیه السلام در حال تلاوت قرآن بودند که خواهرشان زینب کبری وارد

شد در این موقع امام حسین علیه السلام به احترام خواهرشان بلند شدند.

علل الشرايع، ص 248¹⁶

17 315 ص، ترجمه طباطبائی،
ارشاد القلوب،

سر مبارک امام حسین علیه السلام

چند جا قرآن تلاوت فرمود

در روایتی از زید بن ارقم آمده است: سر مبارک حضرت امام حسین را بر نیزه در کوفه در حال خواندن آیات قرآن دیدم: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»^{۱۸}

«آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟»

موی بر تنم راست شد و گفتم. این ماجرا عجیب تر از جریان اصحاب کهف است^{۱۹}

در نقل دیگری آمده:

وقتی راس و سر مبارک را در جایگاهی که در صیافه برایش معین کرده بودند، نهادند، چون آن جا در اثر ازدحام جمعیت و عبور و مرور شلوغ بود، سر مبارک برای متوجه ساختن مردم ابتدا به صدای بلند گلو صاف کرد به گونه ای که همه به تعجب به نظاره سر نشستند و سر مبارک به تلاوت آیات سوره کهف پرداخت و تا: «انهم فتيه آمنوا بربهم فزدناهم هدى و لا نزد الظالمين الا ضلالا» تلاوت کرد^{۲۰}

همچنین آمده: سر مبارک را بر چوبی نصب کرده و مردم به نوری که از سر به آسمان ساطع بود، نگاه می کردند که این آیه را تلاوت فرمود: «و سيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون»^{۲۱} ^{۲۲}

؛ (كهف (18)، آیه 9¹⁸

(مقتل الحسين، مقرر، ص 332¹⁹

شعراء (26)، آیه 227²⁰

مناقب، ابن شهر آشوب، ج 2، ص 188²¹

سلمه بن كهيل از سر مبارك شنيد كه بر نيزه مي خواند: (فسيكفيكهم الله و هو السميع العليم)

اسرار الشهادة ، ص 488

از سر مبارك شنيدم كه سوره كهف را مي خواند. شك كردم كه صدا از سر :ابن وكيده گويد هست يا از جاي ديگر كه ناگاه سر مبارك تلاوت را ترك كرد و متوجه من شد و فرمود: اي فرزند وكيده ! مگر نمي داني كه ما امامان زنده و نزد پروردگارمان روزي خوريم. با شنيدن اين كلام او تصميم مي گيرد سر را دزديده و دفن كند كه سر مبارك به او مي فرمايد: اي فرزند وكيده ! تو را به اين تصميم راهي نيست و اقدام آنان در ريختن خون من نزد خدا عظيم تر از بردن سرم بر نيزه در شهرها مي باشد . پس آن ها را واگذار "اذ الالغال في أعناقهم و السلاسل يسحبون ؛ (غافر (40) ، آيه 71) در آن هنگام كه غل و زنجيرها بر گردن آنان قرار گرفته و آن ها را مي كشند(شرح قصيده «.ابي فراس ، ص 148

منهال ابن عمرو گويد: سر مبارك را در دمشق بر نيزه ديدم كه آيات سوره كهف تا : (ام حسب ان اصحاب الكهف و الرقيم كانوا من آياتنا عجا) تلاوت مي كرد و در اين جا به آشكاري تمام فرمود: ..عجيب تر از اصحاب كهف قتل من و بر نيزه كردن سرم مي باشد(شرح قصيده ابي فراس ، ص 148

وقتي يزید در پی اعتراض سفیر روم به ظلم رفته بر ابا عبدالله ، دستور به كشتن او داد ، سر مبارك با ..صدای بلند فرمود: (لا حول و لا قوه الا بالله)(مقتل العوالم ، ص 151

جابر بن یزید جعفری از امام باقر روایت می کند که ایشان فرمود
یا جابر أیکتفی من انتحل التشیع ان یقول بحبنا، فوالله ما شیعتنا الا من اتقی الله و
اطاعه و... ما کانوا یعرفون یا جابر الا بالتواضع و... تلاوت القرآن.²³
ای جابر آیا کسی که ادعای تشیع می کند کافی است که شعار دوستی ما را سر
دهد؟ به خدا سوگند شیعه ما نیست مگر کسی که تقوای الهی داشته باشد و او را
...اطاعت کند... شیعیان ما شناخته نمی شوند جز به نشانه تواضع و خشوع و
خواندن قرآن

هر که تلاوت قرآن کند و در تلاوت او خضوع و خشوع نباشد...

در مصباح الشریعه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که
من قرأ القرآن و لم یخضع له و لم یرق قلبه و لم ینشی حزنا و وجلا فی سره فقد
استهان بعظم شأن الله و خسر خسرانا مبینا

هر که تلاوت قرآن کند و در تلاوت او خضوع و خشوع نباشد و از تلاوت
قرآن او را رقتی حاصل نشود و ترس الهی در دل او بهم نرسد پس این قاری
مرتب و منزلت خداوند را حقیر شمرده و زیان آشکاری نموده است
آن حضرت در ادامه می فرماید

فقاری القرآن یمحتاج الی ثلاثه اشیاء، قلب خاشع و بدن فارغ و موضع خال فإذا

خشع الله قلبه فر منه الشيطان الرجيم^{۲۴}

قاری قرآن (در رسیدن به ثواب تلاوت قرآن و رسیدن به فواید آن) محتاج به سه چیز است. یکی دل خاشع، دوم بدن آسوده و سوم جای خالی. آن گاه که خداوند قلبش را خاشع ساخت شیطان از او می گریزد.

امام سجاد علیه السلام می فرمود: هر گاه عموم حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام قرآن

می خواند، به عبارت «یا ایها الذین امنوا» نمی رسید مگر آن که چندین بار لبیک می گفت.^{۲۵}

عایشه گوید: شبی از شبها که پیامبر در منزل من بود به استراحت پرداخت هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آنقدر در حال نماز و در جذبه خاص الهی اشک ریخت که جلو لباسش از اشک چشمش تر شد. سپس سر به سجده نهاد و چندان گریست که زمین از اشک چشمش تر شد. و همچنان تا طلوع صبح منقلب و گریان بود. هنگامی که بلال او را به نماز صبح خواند پیامبر را گریان دید عرض کرد چرا چنین گریانید شما که مشمول لطف خدا

شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، عبدالرزاق گیلانی، ترجمه سید جلال الدین محدث، ص 97²⁴

هستید. فرمود: افلا اکون لله عبدا شکورا. سپس فرمود خداوند در شبی که گذشت آیات تکان دهنده ای بر من نازل کرده است. (آیات 190 تا 194 سوره مبارکه آل عمران) و در پایان فرمود: ویل لمن قرأها و لم یتفکر فیها.^{۲۶}

در کتاب مصباح الشریعه از امام صادق علیه السلام منقول است

و وقف عند وعده و وعیده و تفکر فی امثاله و مواعظه .. .

در هنگام قرائت هر گاه به آیه رحمت و وعده به درجات بهشت می رسی، لحظه ای توقف کن و بگو اللهم ارزقنا و چون به آیه عذاب و وعید به درکات جهنم که می رسی استعاذه کن و بگو اللهم عافنا و به آیه های امثال و مواعظ که می رسی با تفکر و تأمل بگذر نه از روی غفلت.^{۲۷}

همچنین امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «الذین ءاتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته :اولئک یومنون به..» می فرماید

یرتلون آیاته و یتفهمون معانیه و یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخشون عذابه و یتمثلون قصصه و یعتبرون امثاله و یاتون اوامرہ و یجتنبون نواهیہ. و ما هو واللہ بحفظ آیاته و سرد حروفه و تلاوه سوره و درس اعشاره و اخماسه. حفظوا حروفه

تفسیر نمونه، ج 3، ص 213²⁶

شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، عبد الرزاق گیلانی، ترجمه سید جلال الدین محدث، ص 27²⁷
97.

و اضاعوا حدوده و انما هو تدبر آیاته يقول الله تعالى «كتاب انزلناه اليك مبارك
...» ليدبروا آیاته...

به شیوه ترتیل آیاتش را می خوانند و معانیش را فهم می کنند و به احکام آن
عمل می نمایند و امید به وعده الهی دارند و از عذابش در خوف و هراس به سر
می برند و قصص آن را مجسم می بینند و از مثلهایش عبرت می گیرند، اوامرش
را اجرا می کنند و از محرماتش دوری می گزینند و آن به خدا قسم تنها با حفظ
آیات و چینش منظم حروف و تلاوت سوره ها و تحقیق یک دهم و یک پنجم
قرآن حاصل نمی شود. آنان حروفش را حفظ و حدودش را تباه کردند. و جز
این نیست که آن (حق تلاوت) همان تدبر در آیاتش می باشد چرا که خداوند
می فرماید: «آن کتابی است بسیار با عظمت که آن را به سویت فروفرستادیم و
بسیار پرخیر و برکت است تا در آیاتش تدبر نمایند.» (آیه 29 سوره
مبارکه ص).²⁸

آیه یاد شده به همه مسلمانان می آموزد که یکی از آداب تلاوت قرآن توجه به
معانی قرآن و اندیشیدن در آیات آن است. چرا که هر مسلمانی موقعی که قرآن
می خواند باید به معانی آیات توجه کند. پیام آیه را بفهمد و خود را مخاطب کلام

خدا بداند تا زمینه عمل به آیات قرآن را در خود فراهم سازد.

در نقلی آمده است که حضرت امام رضا علیه السلام در هر سه روز یکبار قرآن را ختم می کرد و می فرمود

اگر بخواهم در کمتر از سه روز می توانم ختم کنم ولیکن به هیچ آیه نمی گذرم، مگر آن که در معنی آیه تفکر و در سبب نزولش تأمل می کنم و به یاد می آورم که در چه وقت نازل گردیده، بنابراین در هر سه روز یک ختم می کنم.³⁰

زهری گوید علی بن الحسین علیهما السلام فرمود

آیات قرآن خزانه های علم هستند پس هرگاه خزانه ای گشوده شود شایسته است که به آنچه در آن است نظر کنی.²⁹

زیبایی تلاوت

معصومین علیهم السلام قرآن را بسیار زیبا تلاوت می کردند و دیگران را نیز به زیباخوانی

قرآن تشویق می کردند. از پیامبر عظیم الشان اسلام نقل شده است

لیس منا من لم يتغن بالقرآن

از ما نیست کسی که قرآن را به آواز خوش نمی خواند.³⁰

آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز، ص 243²⁹

بحارالانوار، ج 92، ص 191³⁰

امام باقر فرموده اند:

ان رسول الله كان احسن صوتا بالقرآن

پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را از همه زیباتر می خواند.^{۳۱}

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

ان القرآن نزل بالحزن فاقروه بالحزن

قرآن برای اندوه (و تأثیر در نفوس مردم) نازل شده پس آن را با آوای حزین

بخوانید.^{۳۲}

همچنین آن حضرت از پیامبر علیهم السلام نقل می کند که : لكلّ شی حلیه و حلیه القرآن الصّوت الحسن.

هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن آواز خوش است.^{۳۳}

:و نیز ایشان می فرمود

^{۳۱} اصول کافی، ج ۲، ص ۴۱۹

^{۳۲} اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۸

^{۳۳} الحقایق فی محاسن الاخلاق، فیض کاشانی، ص ۲۴۷

كان علي بن الحسين عليهما السلام احسن الناس صوتا بالقرآن و كان السقاوون يمرون فيقفون
ببابه يسمعون قرائته القرآن

علي بن الحسين عليهما السلام از همه مردم زیباتر قرآن تلاوت می کردند و سقایان که
برای آب دادن به مردم عبور می کردند درب منزل امام زین العابدین توقف
می کردند تا قرائت قرآن آن حضرت را گوش کنند.^{۳۴}

در احوالات امام موسی بن جعفر از قول شیخ مفید نقل شده که او عابدترین و
فقیه ترین و بخشنده ترین و بزرگ منش ترین مردم زمان خود بود، زیاد تضرع و ابتهال
بدرگاه خداوند متعال داشت... هیچ کس مثل او حافظ قرآن نبود، با آواز خوشی قرآن
می خواند، قرآن خواندنش حزن و اندوه مطبوعی به دل می داد، شنندگان از
شنیدن قرآنش می گریستند. مردم مدینه به او لقب زین المجتهدین داده بودند.^{۳۵}

امام رضا نیز از مسلمانان می خواستند برای تلاوت قرآن، صداهای خود را نیکو
سازند و بکوشند صدایی خوش و هنرمندانه پیدا کنند تا بتوانند قرآن را زیباتر
تلاوت کنند. ایشان می فرماید

حسنوا بالقرآن اصواتکم، فان صوت الحسن یزید القران حسنا

الحقایق فی محاسن الاخلاق، فیض کاشانی، ص 247³⁴

برای قرآن صوت خود رانیکو سازید چرا که صدای نیکو بر زیبایی قرآن
می افزاید.^{۳۶}

سیره خاص در ماه رمضان

گرچه توجه به قرآن در سراسر زندگی معصومین علیهم السلام مشهود است ولی آن
بزرگواران به تلاوت قرآن در ماه رمضان اهمیت ویژه ای می دادند و در جواب
پرسشهای دینی شیعیان خود به این موضوع اشاره فرموده اند

علی ابن ابی حمزه گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شدم، پس ابوبصیر
به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم در ماه رمضان همه قرآن را در یکشب
بخوانم؟ فرمود نه. عرض کرد در دو شب؟ فرمود نه. عرض کرد در سه شب؟ فرمود

آری... سپس فرمود: ای ابامحمد برای ماه رمضان حقی و حرمتی است که ماههای

دیگر مانند آن نیستند (یعنی اینکه اذنت دادم در سه شب قرآن را ختم کنی به

خاطر حرمت ماه رمضان و امتیازش با ماههای دیگر است) و اصحاب حضرت

محمد صلی الله علیه و آله قرآن را در یکماه یا کمتر می خواندند و هر آینه نباید قرآن با سرعت و

شتاب خوانده شود و باید هموار و شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به

آیه ای که در آن نام بهشت برده شده است گذر کنی بایست و از خدای عزوجل

بهشت را بخواه و چون به آیه ای که در آن ذکر دوزخ است گذر کنی نزد آن توقف کن

!و از دوزخ به خدا پناه ببر

در احوالات رسول گرامی اسلام نقل شده که ایشان در دهه آخر ماه رمضان مشغول اعتکاف می شد و رختخواب خود را جمع می کرد و به عبادت و تلاوت قرآن مشغول بود.^{۳۷}

معصومین علیهم السلام قرآن را وسیله تقرب به خداوند در ماه رمضان می دانستند و

دستوراتی نیز در این زمینه به شیعیان خود داده اند

زراره از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

در دهه دوم ماه رمضان قرآن را بردار و باز کن و پیش رویت بگذار و این دعا را بخوان «اللهم انی اسئلك بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاعظم الاکبر و اسماوه الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائك من النار» و هر حاجتی که خواهی از خدا بخواه.^{۳۸}

درباره امام باقر علیه السلام گفته اند که آن بزرگوار، در ماه مبارک رمضان ده بار قرآن را ختم می کرد؛ یعنی هر سه روز یک بار.^{۳۹}

وسائل الشیعه، ج 10، ص 533³⁷

اصول کافی، ج 4، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتاب فضل قرآن، ص 438³⁸

تلاوت امام زمان علیه السلام

شاگرد بحرالعلوم گوید: دیدم سید بحرالعلوم از حرم امیرالمومنین علیه السلام بیرون آمد در حالی که زیر لب زمزمه می کند: چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن... تاکنون او را در حال خواندن شعر در حرم ندیده بودم. عرض کردم علت خواندن این بیت چیست؟

فرمود: همین که وارد حرم امیرالمومنین علیه السلام شدم، مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام را دیدم که در بالای سر مطهر، با صدای بلند، قرآن تلاوت می فرمود. چون صدای ملکوتی و زیبای آن بزرگوار را شنیدم، ناخودآگاه این بیت به زبانم جاری شد

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

... به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

وقتی داخل حرم شدم، حضرت قرائت قرآن را ترک نموده و از حرم تشریف بردند^{۴۰} □

امام خمینی و قرائت قرآن

حضرت امام در طول سال، قبل و بعد از هر نمازی قرآن می خواندند. صبح ها بعد از مناجات شروع می کردند به خواندن قرآن، سپس نماز صبح را می خواندند. قبل از ظهرها، نیم ساعت مانده به اذان، قرآن می خواندند. سپس نمازشان را ادا می کردند و دوباره قرآن می خواندند. نیم ساعت قبل از

... (نقل از عالم ربانی زین العابدین سلماسی از استادش آیت الله سید بحرالعلوم قدس سره)⁴⁰

اذان مغرب و عشاء هم قرآن می خواندند. این برنامه قرآن خواندن امام در طول سال بود. اما ایشان در ماه رمضان به طور مرتب قرآن می خواندند. اکثر وقت ها که خدمت شان می رسیدم، می دیدم که چهار زانو روی نیمکت خودشان نشسته اند و آن شمد را روی پایشان انداخته اند و دارند قرآن می خوانند.

حاج احمد آقا می گفت که امام بعضی روزها چهار یا پنج جزء قرآن تلاوت می کنند.^(۴۱)

علامه امینی در خواندن قرآن ودعا، حریص بود. شبها بر می خواست و نماز شب می خواند و این عبادت را به نماز صبح وصل می کرد و هر روز پس از نماز، یک جزء قرآن را با تدبّر و تفکّر تلاوت می نمود.

در این ماه، پانزده بار قرآن را ختم می نمود، که ثواب چهارده بار آن را به ارواح پاک معصومان و ثواب یکبار را به روح پدرش، اهداء می نمود. این برنامه تا آخر عمرش انجام می شد.^{۴۲}

آیه الله بروجردی

یکی از صفات بارز آیه الله بروجردی، احترام به قرآن بود. گاه کتابی را مطالعه می کرد، به آیه ای می رسید که نویسنده در نوشته اش به آن استشهاد کرده بود، در این هنگام، یعنی در وقت خواندن آیه، لحنش عوض می شد. مانند این بود که در مشهد و عالم دیگری است.

⁴¹ http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_67754

⁴² ابوطالب مظلوم تاریخ»

روزی از طرف یکی از سران کشورهای عربی، هیأتی خدمتشان رسیده بودند و قرآنی را به عنوان هدیه تقدیم ایشان کردند. در هنگام تقدیم قرآن، آن مرحوم با کھولت سنّ و حال خاصی که داشتند، ایستادند و قرآن را تحویل گرفتند. سپس نشستند و پیش از آنکه با اعضای هیئت سخنی بگویند، قرآن شریف را گشودند و با صدای بلند، آیاتی را تلاوت فرمودند قرآن را در جای مناسبی گذاشتند. سپس تعارفات معمولی را با مهمانان انجام دادند.^{۴۳}

تلاوت قرآن در زیر شکنجه

یکی از هم سلولهای مرحوم طالقانی گفت: شبی در زندان در حالیکه از هر سلول ناله‌ای استغاثه آمیز به گوش می‌رسید. یکی آه می‌کشید و دیگری از درد شکنجه به خود می‌پیچید و خدا را به یاری می‌طلبید و شخص دیگری در آتش تب می‌سوخت و در هذیان، عزیزانش را بنام می‌خواند، صدای ملکوتی قرآن از مرحوم طالقانی بگوش می‌رسید که می‌فرمود:

والنازعات غرقاً (قسم به فرشتگانی که جان کفار را به سختی بگیرند).

والناشطات نشطاً (قسم به فرشتگانی که جان اهل ایمان را با راحتی بگیرند).

ناگاه دژخیمان زندان وارد شدند و مرحوم طالقانی را بردند و بعد از مدتی در حالیکه تن شریفش در زیر تازیانه آنان سیاه شده بود او را برگرداندند. اما باز صدای قرآنش بگوش رسید: والسابحات سبحاً (قسم به فرشتگانی که با سرعت فرمان خدا را انجام می‌دهد). فالسابقات سبقاً (قسم به فرشتگانی که در نظم عالم از همه پیش جسته و قسم به مؤمنانی که در جهاد با کفار به امر خدا از هم سبقت می‌گیرند).

باز صدای زندانبان شنیده شد که آمدند و مرحوم طالقانی را بردند و او را شکنجه کردند و برگرداندند. مجدداً صدای قرآن او بلند شد و باینکه هم سلولیهایش از او خواهش کردند که از ادامه قرآن چشم‌پوشد، زیرا زندانبانان اهل ترحم نبودند ولی مرحوم طالقانی در جواب گفت: امشب دلم گرفته و هوای تلاوت قرآن را کرده است و شکنجه آنان تأثیری در من ندارد. آنگاه خواند: فالمدبرات امر! (قسم به فرشتگانی که تدبیر کننده عالم خلقتند) باز در سلول باز شد و پیکر او را کشان‌کشان به شکنجه گاه بردند. هنگامی که او را آوردند دیگر وقت خروس خوان صبح بود. و از جای تازیانه‌ها خون می‌چکید.»^{۴۴}

آثار تلاوت بعضی از سوره ها در قیامت

در روایات آمده:

«کسیکه سوره یونس را در هر دو یا سه ماه تلاوت کند، روز قیامت از مقربین است* کسیکه سوره هود را در هر جمعه قرائت نماید، در قیامت از زمرة پیامبران بوده و خطایش پاک می شود.* کسیکه سوره یوسف را در هر روز یا هر شب، تلاوت کند، در قیامت، جمالش مثل یوسف بوده و دچار فزع اکبر نمی گردد.* کسیکه سوره عد را تلاوت نماید، بدون حساب، وارد بهشت شده و اجازه شفاعت در مورد خانواده و دوستانش را به او می دهند* کسیکه سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند، شهید می‌میرد و در قیامت با شهداء محشور می شود* کسیکه بر تلاوت سوره مریم مداومت نماید، رو قیامت جزء اصحاب عیسی (ع) محشور شده و پادشاهی سلیمان را به او می دهند* کسیکه سوره احزاب را زیاد قرائت کند، در قیامت در کنار پیامبران، خواهد بود* کسیکه در نمازهای واجب و مستحب، سوره دخان را تلاوت کند، در قیامت، ایمن بوده و از او حسابی آسان کشیده و نامه

دیدار با ابرار ص 57»⁴⁴

عملش را بدست راست می دهند* کسیکه در هر جمعه، سوره احقاف تلاوت نماید، در دنیا، دچار ترس نشده و در قیامت، ایمن خواهد بود* کسیکه سوره انا فتحنا را تلاوت کند، در قیامت به او مخلص خطاب می شود* کسیکه هر شب قبل از خواب، سوره واقعه را تلاوت نماید، روز قیامت، خدا را با صورت نورانی ملاقات کند* کسیکه سوره های طلاق و تحریم را در نمازهای واجب بخواند،

در قیامت، دچار ترس نمی شود* کسیکه بر سوره لا اقسام مداومت کرده و به آن عمل کند، با بهترین صورت محشور شده و از صراط و میزان عبور کند* کسیکه سوره النازعات را تلاوت نماید، سیراب می میرد و سیراب محشور می شود و سیراب به بهشت می رود* کسیکه سوره ذات البروج را در نمازهای واجب، تلاوت کند، در موقف پیامبران می ایستد* کسیکه سوره الطارق را در نمازهای واجب تلاوت کند، در قیامت دارای جاه و مقام بوده و از رفیقان پیامبران است* کسیکه سوره اعلی را در نمازهای واجب و مستحب، تلاوت کند، به او گفته می شود: از هر دری که می خواهی، وارد بهشت شو!* کسیکه بر تلاوت سوره العادیات مداومت کند، با علی (ع) محشور شده و در کنار او خواهد بود* کسیکه القارعه را زیاد تلاوت کند، از حرارت جهنم ایمن است* کسیکه سوره عصر را در نوافل بخواند، با خنده و نور مبعوث شده و داخل بهشت می شود* کسیکه سوره لایلاف را زیاد تلاوت نماید، او را بر مرکبی از مرکبهای بهشت سوار نمایند.»

رسول خدا (ص): روز قیامت، هر سوره قرآن بر در جهنم می ایستد و نمی گذار قاری او به جهنم برود!

کسیکه قرآن را برای ریاء بخواند، روز قیامت با صورتی تاریک و بدون گوشت، محشور شده و قرآن بر پشتش می زند تا داخل جهنم شود. و کسیکه قرآن را یاد بگیرد و به آن عمل نکند، روز قیامت، کور محشور می شود و می گوید: خدایا! چرا مرا کور

محشور کردی در حالیکه من چشم داشتم؟ گفته می شود: زیرا تو آیات الهی را فراموش کردی والان خودت فراموش می شوی! سپس به دوزخ برده می شود! و کسیکه قرآن را برای مباحثات بر علماء یا برای طلب دنیا، یاد بگیرد، خدا در قیامت استخوانهای او را پراکنده می کند!

ملائکه مبهوت می شوند

مرحوم آیة الله شاه آبادی بزرگ می فرمودند:

(سه آیه آخر سوره مبارکه حشر را تلاوت کنید تا ملکه شما شود و اولین اثری که از آن مترتب می شود، پس از مرگ و شب اول قبر است. وقتی که ملکین از طرف پروردگار برای سوال و جواب می آیند در جواب ((من ربک)) بگویی:

هو الله الذی لا اله الا هو. عالم الغیب و الشهاده هو الرحمن الرحیم. هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المومن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون. هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له مافی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم.

وقتی این طور پاسخ بگویی، ملائکه الهی مبهوت و متحیر می شوند. چون این معرف حق است به زبان حق نه معرفی حق به زبان حق.^{۴۵}

خواندن قرآن برای بیرون آمدن از غفلت

در سوره جمعه آمده که همه چیز تسبیح می گوید:

تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ -
«تسبیحهم» اسراء 44

.آسمانها وزمینها وهرچه در آنهاست تسبیح الهی را گویند و لکن شما متوجه نمی شوید

یاددارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌یی خفته. شوریده‌ای که در آن «
سفر همراه ما بود نعره‌ای برآورد و راه‌بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد گفتمش آن
چه حالت بود؟ گفت: ببلبلان را دیدم که به نالش در آمده بودند از درخت، و کبکان از کوه، و غوکان در
آب، و بهایم از بیشه، اندیشه کردم که مروّت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته»^{۴۶}

دزدی که با شنیدن آیات قرآن توبه کرد

فضیل بن عیاض در ابتدا دزد بود، تحولی در او پیدا شد، تمام گناهان را کنار گذاشت، توبه واقعی

.کرد، و بعدها یکی از بزرگان شد

نه فقط مرد با تقوایی شد، بلکه معلم و مربی عده‌ی دیگری هم شد، در حالی که قبلاً یک دزد سر

.گردنه گیری بود که مردم از بیم او راحتی نداشتند

یک شب از دیواری بالا رفت روی دیوار نشست و خواست از دیوار پایین بیاید، اتفاقاً یک مرد عابد

و زاهدی شب زنده داری می کرد، نماز شب می خواند، دعا می خواند، قرآن می خواند و صدای

حزین قرآن خواندنش بگوش می رسید.

«: ناگهان صدای قرآن خوان را شنید که اتفاقاً به این آیه رسید

«الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم للذکر الله

آیا وقت آن نرسیده که مدعیان ایمان، قلبشان برای یاد خدا نرم و آرام شود؟

یعنی تا کی قساوت قلب، تا کی تجری و عصیان ، تا کی پشت بخدا کردن؟

آیا وقت رو برگرداندن، رو کردن بسوی خدا نیست، آیا قوت جدا شدن از گناهان نیست؟

این مرد که این جمله را روی دیوار شنید گویی به خود او وحی می شد، گویی مخاطب شخص

:اوست، همانجا گفت

خدایا چرا، چرا وقتش رسیده است، الان هم وقت آن است. از دیوار پایین آمد و بعد از آن، دزدی،

.شراب، قمار و هرچه را که احیاناً مبتلا به آن بود کنار گذاشت

از همه هجرت کرد، از همه دوری گزید تا حدی که برای او مقدور بود، اموال مردم را به صاحبانشان

پس داد، حقوق الهی را ادا کرد، جبران مافات نمود. از گناهان دوری گزید و به سوی نیکی ها

هجرت کرد

.

ای آتش متعرض این مومن مشو

حضرت آیت الله شیخ محمد علی اراکی فرموده است: پدرم نقل کرد که آخوند کبیر (ملا محمد،

پدر مرحوم آقا ضیاء عراقی) در آمدش از یک قطعه زمینی در همان اطراف سلطان آباد اراک بود.

زراعت می کرد و نان سال خودش و عیالش از همان قطعه زمین بود. یک وقت که حاصل آن زمین

را در خرمنگاه جمع کرده بودند در اطرافش هم خرمن هایی بوده است، کسی عمداً یا سهواً آتش

روشن می کند. باد هم که بوده آتش را بین خرمن ها شعله ور می سازد. تا آتش همه ی خرمن ها را

می گیرد. کسی به آخوند می گوید: چه نشسته ای؟

نزدیک است که آتش خرمن شما را بگیرد. آخوند تا این را می شنود عبا و عمامه را بر می دارد و

قرآن را نیز به دست می گیرد و به بیابان می رود و در دستش قرآن رو به آتش می کند و می گوید:

ای آتش این نان خانواده و اهل و عیال من است. تو را به این قرآن قسم، به این خرمن متعرض مشو

پدرم می گفت تمام آن کپه های خرمن ها) که اطراف بود خاکستر شد و این یکی ماند. هر کسی می

آمد و آن را می دید انگشت به دهان می گرفت و متحیر می شد که این چه جور سالم مانده! در حالی

. که من از قضیه خبر داشتم

خاطره | انس با قرآن

خانم دباغ روایت می کند: وقتی غذای امام را داخل اتاق می بردم وارد اتاق که می شدم می دیدم ^[۲]

کرده اند و مشغول قرائت قرآن هستند مدتی این مسئله (کثرت قرائت قرآن) ذهنم را #قرآن را باز

عملی مشغول کرده بود تا اینکه روزی به امام عرض کردم: «حاج آقا شما سراپای وجودتان قرآن

» است دیگر چرا اینقدر قرآن می خوانید؟

بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود باید دائم قرآن امام مکتبی کردند و فرمودند: «هر کس [?]»
«بخواند». ^{۴۷}

چرا مردم مدینه تا صبح گریه کردند

وقتی آیات اول سوره حج نازل شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۱) يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

(ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، بی تردید زلزله قیامت، واقعه ای بزرگ است. (۱)

2

يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ

(۲) بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

روزی که آن را ببینید [مشاهده خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده ای از کودکی که شیرش می

دهد، بی خبر می شود، و هر ماده بارداری بار خود را سقط می کند، و مردم را مست می بینی در

(حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا بسیار سخت است. (۲)

مردم مدینه تا صبح گریه کردند

آری، پیامبر این دو آیه تکان دهنده را بر مردم خواند و صدای گریه مجاهدان

۴۷. مرضیه حدیدچی (دباغ)، پابه پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۵۷

بود که در آن دل شب و آن دشت خسته و سوزان طنین افکند. آن شب مردم آن قدر گریه کردند و باران اشک از آسمان دیدگان بر دامن خویش فرو باراندند و ضجه زدند که به یادماندن و بی سابقه بود، و بامداد آن شب به گونه‌ای از دنیا و ارزش‌های مادی دل‌ها گسسته و به زندگی بی‌رغبت شده بودند که کسی نه دل داشت تا زین بر روی مرکب نهد و نه بردارد و نه کسی انگیزه‌ای برای برافراشتن خیمه و چادر داشت. بله گروهی در اندوه فرو رفته بودند و گروهی می‌نگریستند و دسته‌ای دیگر در اندیشه رستاخیز و آن روز هراس‌انگیز بودند^{۴۸}

تلاوت سوره کافرون به هنگام خواب

از رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که آن حضرت به برخی از یارانش فرمود:
..اذا أردت المنام فاقراً هذه السورة یعنی الجحد

و قال (صلی الله علیه و آله و سلم) قولوا لصبيانكم اذا أرادوا المنام ان يقرأوا هذه السورة حتى لا يتعرض لهم الجن

هرگاه خواستی بخوابی سوره کافرون را بخوان... همچنین فرمود: وقتی فرزندانان خواستند بخوابند به آنان نیز بگویند همین سوره را بخوانند تا جنینان به آنان آسیبی نرسانند

:آنچه در کتاب شریف کافی آمده است روایت زیر است

چون قائم قیام کند کتاب خدا را آنچنان که است تلاوت می کند

از امام صادق علیه السلام نقل می کند :

چون قائم قیام کند کتاب خدا را آنچنان که است تلاوت می کند و قرآنی را که امیر مومنان نوشته بود بیرون می آورد

در ادامه فرمودند:

هنگامی که علی(ع) از نوشتن قرآن فارغ شد آنرا بر مردم عرضه کرد و فرمود این کتاب خدا « تبارک و تعالی است. آنرا از دو لوح آنچنانکه خدایش بر محمد فرو فرستاده گرد آورده ام ؛ مردم گفتند ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی را در بر دارد دیگر نیازی به قرآن شما نداریم .امیر : مومنان فرمود

به خدا سوگند دیگر بعد از امروز آن را نخواهید دید .من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ «شدم آن را بر شما عرضه کنم تا شما نیز آن را بخوانید^{۴۹}

حضرت مهدی ارواحنا له الفداء در هنگام ظهور مصحف امیرالمومنین علی علیه السلام را بر مردم عرضه می کنند

امیرمومنان علیه السلام پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوگند یاد کردند تا گرد آوری قرآن تمام نشده است از خانه جز برای نماز خارج نشوند ؛

آنگاه پس از مدتی قرآن گرد آوری شده را به گروهی از صحابه و مسلمانان که در مسجد بودند ارائه نمودند اما آنان نپذیرفتند ؛

.و حضرت فرمود که دیگر آن را نمی بینید تا زمان قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف^{۵۰}

ادب نسبت به قرآن

الکافی ج 2 ص 633^{۴۹}

راهنمای حقیقت ص 267////////^{۵۰}

حجت الاسلام موسوی همدانی مترجم تفسیر المیزان نقل کرده اند که زمانی در یکی از روزها که مشغول ترجمه المیزان بودم، قرآن دستم بود و تفسیر هم روبرویم و در این حالت می خواستم کتاب دیگری را باز کنم، اما چون احتمال داشت آن صفحه مورد نظر قرآن بسته شود و بهم بخورد، قرآن را از پشت، روی زمین نهادم، علامه طباطبایی که حالات و رفتارم را مشاهده می کرد، فوراً قرآن را برداشت و بر آن بوسه زد و به من گفت: «دیگر از این کارها نکنید»

یکی از شاگردان علامه طباطبایی می گوید: وقتی که غروب فرا می رسید، علامه طباطبایی به تلاوت قرآن مشغول می شدند، عرض کردم آقا چرا در این موقع که هوا تاریک است قرآن می خوانید؟ می فرمود: «قرائت قرآن به نور چشم می افزاید همان گونه که بصیرت دل را افزایش می دهد.» اگر موقعیتی پیش می آمد قرائت قرآن و برخی از نوافل را در راه یا حتی سوار بر اتومبیل انجام می داد... حتی در این اواخر که بیماری رعشه ایشان را گرفتار ساخته بود و واقعاً رنجشان می داد و مرتب داروی اعصاب مصرف می کرد، تلاوت قرآن را ترک نمی نمود

حجت الاسلام محمد فاضل (تبریزی) نقل می کنند که: ...روزی علامه طباطبایی در ماشین، قرآنی از جیب خود درآورده و به بنده فرمود: «من عهد دارم که هر روز یک جزء از قرآن را بخوانم و الان چهل سال است که این کار را انجام می دهم. دیشب شما علما مزاحم شدید، نتوانستم بخوانم و اکنون قضا می کنم! هر ماه یک ختم قرآن تمام می شود و باز از ابتدای آن شروع می کنم و هر بار می بینم که انگار اصلاً این قرآن، آن قرآن پیشین نیست! از بس مطالب تازه ای از آن می فهم! از خدا می خواهم به بنده عمر بسیاری دهد تا بسیار قرآن بخوانم و از لطایف آن بهره ببرم. نمی دانید من چه اندازه از قرآن لذت می برم و استفاده می کنم

آداب قرائت قرآن

آیت الله شیخ محمد تقی آملی (ره) می فرمود: «من در بحث فقه آیت الله سید علی آقا قاضی شرکت می کردم. روزی از ایشان سؤال کردم - آن روزها هوا بسیار سرد بود - که ما می خوانیم و می شنویم که عده ای موقع قرائت قرآن کریم جلوی ایشان آفاق باز می شود و غیب و اسرار برای آنها تجلی می کند... و در حالی که ما قرآن می خوانیم و چنین اثری نمی بینیم؟

مرحوم قاضی مدت کوتاهی به چهره من نظر کرد سپس فرمود: بلی! آنها قرآن کریم را تلاوت می کنند و با شرائط ویژه، رو به قبله می ایستند... سرشان پوشیده نیست، کلام الله را با هر دو دستشان بلند می کنند، و با تمام وجودشان به آنچه تلاوت می کنند توجه دارند و می فهمند جلوی چه کسی ایستاده اند. اما تو قرآن را قرائت می کنی در حالی که تاجانه ات زیر کرسی رفته ای؟! و قرآن را! روی زمین می گذاری در آن می نگری ...؟

آیت الله شیخ محمد تقی آملی می فرمود: بله، من همین طور قرآن می خواندم و زیاد به قرائت آن می پرداختم، مثل اینکه مرحوم قاضی با من بود و مراقب و ناظر وقت قرائتم بوده است. بعد از این ماجرا با ... «تمام وجودم به سوی شتافتم و ملازم جلسه هایش شدم

سیر الی الله

یکی از شاگردان مرحوم علی آقای قاضی که قدری جوان هم بود، روزی مرحوم قاضی می بیند که او روز به روز رنگش زرد و خودش لاغر می شود. از ایشان می پرسد: چه کار می کنی که این طور می شوی؟ جواب می دهد: هر شب غیر از مقررات عادی، یک ختم قرآن انجام می دهم و تقریباً خواب ندارم. ایشان می فرماید: از امشب فکر کن که من در مقابلت نشسته ام و بخوان! آن شخص فردا آمد و گفت: بیشتر از یک جزء نتوانستم بخوانم. بعد از چند روز دستور می دهد که خیال کن برای امام زمان (ع) می خوانی و یا پیامبر و یا علی (ع). فردا آمد و گفت: هر چه کردم نتوانستم بیشتر از یک حزب بخوانم. بعد از چند روز فرمود: خیال کن برای خدا می

خوانی! می گویند آن جوان از اول قرآن شروع نموده بود و در ایام نعبه و ایام نستین مانده بود و صبح همان شب از دنیا رفت.

اهتمام حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به قرآن کریم

این مرجع بزرگوار به قرائت قرآن

کریم بسیار مقید بودند و قرائت قرآن هنگام صبح و پایان شب جزء برنامه های تخلف ناپذیر ایشان بوده است. یعنی روزشان را با قرآن آغاز و بیداری خود را نیز با قرآن به پایان می رساندند

هیچگاه مطالعه، رسیدگی به امور و کارهای دیگر مانع این

کار ایشان نشده و در ساعت مخصوص قرائت - که بعضی از دوستان و آشنایان، نزدیکان و خویشاوندان قصد حضور داشتند - صریحا می گفتند: می خواهم قرآن بخوانم. و این برنامه ایشان از دوران کودکی و نوجوانی بوده و روزی به تعویق می گفتند: یک وقتی از ایشان شنیدم که می فرمود: این قرآنها را که از کشورهای مختلف برایم می فرستند - به عنوان دارالقرآن - توفیقی است که هر کدام را می خوانم و تلاوت می نمایم.

معظم له بسیاری از سوره ها و آیات نورانی قرآن را حفظ بوده و در موارد گوناگون حتی مطالب عرفی، به آیه ای یا قسمتهایی از آن متمثل می شدند.

پیامهای آن جناب مشحون از آیات قرآن بوده و حتی در برخی اعلامیه ها بیش از پنج آیه به چشم می خورد که این کمال تسلط بر معانی قرآن و حضور ذهن قوی ایشان را نشان می دهد. یکی از مؤسسات وابسته به ایشان دارالقرآن کریم است که نشانگر اهتمام و احترام به قرآن می باشد. این مؤسسه که سالها پیش به خواست ایشان و همت والای مرحوم حجه الاسلام مهدی گلپایگانی بنا گذاشته شد، به امر نشر و ترویج و ترجمه و گردآوری نسخه های خطی و چاپی و طبع و تشکیل کتابخانه

تخصصی قرآن و دیگر کوششهای قرآنی می پردازد و هم اینک یکی از مؤسسات موفق و پیشرفته
قرآنی کشور به شمار می رود

اقرار به شکست

بعد از بالا گرفتن کار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، مشرکین مکه چهار نفر از بزرگان و فصحاء
معروف عرب را جمع کرده و به آنها وعده های فراوان دادند، و از آنها خواستند که یکسال در محل
و موطن خود کار کنند و هر یک مانند یک چهارم قرآن بسازد، و در مدت معین و زمان موعود، رؤ
سای شرک آنها را در مسجد الحرام جمع کردند، و آنها نتیجه کار را مطالعه نمودند. اولی بلند شد و
گفت : وقتی به این آیه برخوردم : و قیل یا ارض ابلی مآئک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی
الامرو استوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین ^(۵۱). دانستم که نمی توانم با آن معاوضه و
مقابله کنم . دومی بلند شد و گفت : من هم آنوقت فهمیدم که نمی توانم با قرآن معارضه کنم ، که به
این آیه شریفه برخوردم : فلما استیثسوا منه خلصوا نجیا ^(۵۲). سومی هم عذر خود را خواست با این
آیه : و اوحینا الی ام موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم و لا تخافی و لاتحزنی انا رادوه
:الیک و جاعلوه من المرسلین ^(۵۳). و بالاخره چهارمی بلند شد و عجز خود را با این آیه ابراز کرد
ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم
تذکرون ^(۵۴). همه عجز و ناتوانی خود را اعلام کردند و از صحنه خارج شدند .

آیه 44 سوره هود

آیه 80 سوره یوسف

⁵³ قصص آیه 7

⁵⁴ نحل آیه 90

آیه ای برای درمان همه مشکلات

در حدیثی از ابوذر غفاری نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: من آیه ای را در قرآن می شناسم که اگر تمام انسانها دست به دامن آن شوند برای حل مشکلات آنها کافی است و آن آیات سوّم و چهارم سوره طلاق است «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ» «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

هر کس تقوای الهی پیشه کند و از گناه دوری کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل نماید، خدا او را کفایت می کند و خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای داده است

چرا اکثر مسلمانان قران بلد نیستند؟

مگر رسول خدا نفرمود حق فرزند بر پدرانست که به او قران یاد دهد؟ پس چرا اکثر مسلمانان قران بلد نیستند؟ در دانشگاهی تدریس داشتم از بین هفتاد دانشجو فقط ده نفر بلد بودند قران را بدون غلط بخوانند.

اگر چه معدودی از افراد هستند که به این وظیفه عمل می کنند. یک نفر می گفت در کودکی پدرم ملایی آورد خانه ما روستا به او پول داد تا به من و برادرم قران تعلیم داد و قران یاد گرفتیم همچنین رسول خدا فرمود علم را از گهواره تا گور یاد بگیرید! اگر مردی قران بلد نیست می تواند در حالی که سنی از او گذشته با همت و اراده قران را یاد بگیرد.

رسول خدا (ص) در مجلسی بودند که این آیات را از سوره زلزال قرائت فرمودند

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ هر کسی اندکی عمل خیر انجام دهد، آن را می بیند و هر کس اندکی عمل بد انجام دهد، آن را می بیند. (سوره زلزال، آیات 7 و 8)

یک عرب بادیه نشین تحت تأثیر قرار گرفت و عرض کرد، یا رسول الله! یک ذره را هم حساب می کنند؟

پیامبر(ص) فرمودند: آری

بادیه نشین برخاست و گفت: وای بر آشکار شدن بدی و گریه می کرد

رسول خدا(ص) فرمودند: این بادیه نشین دلش از ایمان به خدا برخوردار است

و همچنین وقتی پیامبر(ص) این سوره را قرائت کردند و صعصعه آن را شنید، گفت: همین آیه را که از قرآن شنیدم برای من کافی است.^{۵۵}

چرا اکثر مسلمانان قرآن بلد نیستند؟

مگر رسول خدا نفرمود حق فرزند بر پدرانست که به او قرآن یاد دهد؟ پس چرا اکثر مسلمانان قرآن بلد نیستند؟ در دانشگاهی تدریس داشتم از بین هفتاد دانشجو فقط ده نفر بلد بودند قرآن را بدون غلط بخوانند

اگر چه معدودی از افراد هستند که به این وظیفه عمل می کنند. یک نفر می گفت در کودکی پدرم ملایی آورد خانه ما روستا به او پول داد تا به من و برادرم قرآن تعلیم داد و قرآن یاد گرفتیم

همچنین رسول خدا فرمود علم را از گهواره تا گور یاد بگیرید! اگر مردی قرآن بلد نیست می تواند در حالی که سنی از او گذشته با همت و اراده قرآن را یاد بگیرد.... در کنکور سال ۱۴۰۱ تعداد دو نفر ۸۱ ساله، یک نفر ۷۸ ساله، دو نفر ۷۵ ساله، سه نفر ۷۴ ساله و یک نفر ۷۳ ساله به عنوان پیرترین داوطلبان شرکت کرده اند

^{۵۵} تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۱۴۷

تقسیم مردم به شش گروه

امام صادق (ع) با استناد به آیات قرآن، این شش گروه را چنین معرفی می‌فرمایند

النَّاسُ عَلَى سِتَّةِ أَصْنَافٍ»

قَالَ قُلْتُ أَ تَأْذَنُ لِي أَنْ أَكْتُبَهَا؟ قَالَ نَعَمْ

قُلْتُ مَا أَكْتُبُ؟ قَالَ أَكْتُبُ أَهْلَ الْوَعِيدِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلَ النَّارِ

وَ أَكْتُبُ (وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا)؛ اشاره به توبه (9)، آیه 102. قَالَ

قُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ وَحَشِيٌّ مِنْهُمْ

. قَالَ وَ أَكْتُبُ (وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ)؛ اشاره به توبه (9)، آیه 106

قَالَ وَ أَكْتُبُ (إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا)؛ اشاره

به نساء (4)، آیه 98

لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً إِلَى الْكُفْرِ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا إِلَى الْإِيمَانِ (فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُو عَنْهُمْ)؛ اشاره به

..نساء (4)، آیه 99

قَالَ وَ أَكْتُبُ أَصْحَابَ الْأَعْرَافِ اشاره به اعراف (7)، آیه 48. قَالَ قُلْتُ وَمَا أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ؟ قَالَ قَوْمٌ

اسْتَوَتْ حَسَنَاتُهُمْ وَ سَيِّئَاتُهُمْ فَإِنْ أَذْخَلَهُمُ النَّارَ فَبِذُنُوبِهِمْ وَإِنْ أَذْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ فَبِرَحْمَتِهِ»؛ کافی، ج 2، ص

381.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: مردم به شش گروه‌اند؛ راوی می‌گوید: عرض کردم: اجازه «

می‌فرماید تا آن را یادداشت کنم؟ فرمود: آری. عرض کردم: چه بنویسم؟

فرمود: بنویس، [دو گروه] اهل نویدند: از اهل بهشت و اهل آتش

بنویس. «گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کرده‌اند و کار خوب و بد را با هم آمیخته‌اند. عرض کردم: آنها چه کسانی‌اند؟ فرمود: وحشی غلام حبشی که با دستور هند همسر ابوسفیان، حضرت حمزه را به شهادت رساند و سینه‌اش را شکافت و جگر حمزه را تحویل هند داد. اما بعدها توبه کرد و به اسلام گروید. از این گروه است

فرمود: بنویس. گروهی دیگر به فرمان خداوند واگذار شده‌اند [و کارشان با خدا است] یا آنان را مجازات می‌کند یا توبه آنان را می‌پذیرد.

فرمود: بنویس. گروه دیگر مستضعفان فکری‌اند که قرآن بدان‌ها اشاره دارد؛ مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که به راستی مستضعف باشند و نه چاره‌ای دارند و نه راهی می‌یابند (یعنی، نه چاره‌ای به کفر دارند و نه راهی به ایمان دارند)؛ ممکن است خداوند آنها را عفو فرماید.

فرمود: بنویس. گروه دیگر، اصحاب اعراف‌اند. عرض کردم: اصحاب اعراف به چه معنا است؟ فرمودند: گروهی که خوبی‌ها و بدی‌های‌شان یکسان است؛ اگر آنها را به آتش وارد کند، به دلیل گناهانشان است و اگر به بهشت ببرد، به دلیل رحمت [بی پایان] است

هرگاه فتنه‌ها به شما روی آورد و بر شما مشتبه شود...

از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است: "هرگاه فتنه‌ها به شما روی آورد و بر شما مشتبه شود مانند پاره‌های شب تار، پس بر شما باد به قرآن، به درستی که قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش را قبول می‌کنند و با هر کس مجادله نماید، حجت را بر او تمام می‌کند و او تصدیقش می‌نماید، و هر که آن را پیشوای خود گرداند او را به بهشت می‌رساند، و هر که آن را به پشت سر اندازد و به آن عمل ننماید، او را به سوی جهنم می‌راند، راهنمایی است که به بهترین راهها دلالت می‌کند". و کتابی است که در آن تفصیل و تبیین همه احکام است

همچنین از رسول اکرم (ص) منقول است که: "دیوان و دفترها که در قیامت حساب می‌کنند سه

دیوان است؛ دیوان نعمت ها، دیوان حسنات و دیوان گناهان. پس چون دیوان نعمت ها و دیوان حسنات را برابر کنند، نعمتها تمام حسنات را فرا گیرد و دیوان گناهان باقی ماند، پس انسان را می طلبند تا گناهانش را حساب کنند. در این حال قرآن به بهترین صورتهای بیاید و درپیش آن مرد روان شود و گوید: خداوندا، منم قرآن و این بنده مؤمن توست که با تلاوت من خود را به سختی می انداخت و در طول شب مرا به ترتیل می خواند و چون مرا در تهجد می خواند آب از دیدگانش جاری می شد، خداوندا او را راضی کن چنانکه مرا راضی کرده، پس خداوند عزیز و جبار فرماید: ای بنده مؤمن من، دست راست را بگشا، پس پر کند حق تعالی آن را از رضا و خشنودی خود و دست چپش را پر کند از رحمت خود، پس به او بگوید که اینک بهشت برای تو مباح است، قرآن "بخوان و بالا برو، پس هر یک آیه که بخواند یک درجه بالا رود

همچنین در جایی دیگر از رسول خدا(ص) منقول است که فرمود: "قرآن را یاد گیرید، بدرستی که قرآن در قیامت می آید به نزد حامل خود بصورت جوان خوشرو و می گوید: منم آن قرآن که به سبب من شبها بیدار بودی و در روزها به سبب روزه، خود را تشنه نگه می داشتی و به سبب کثرت تلاوت من دهانت خشک می شد و آب دیده ات جاری می شد، امروز با تو هستم هر جا که می روی، بزودی کرامت الهی به تو می رسد، پس تاجی می آورند و بر سرش می گذارند و نامه امان از عذاب را به دست راستش می دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را به دست چپش می دهند و به او می گویند قرآن بخوان و بالا برو." و نیز از حضرت رسول(ص) نقل است که "اشراف و بزرگان امت من". حاملان قرآنند و جمعی که در شب عبادت می کنند - حاملان قرآن اهل بهشتند

حاملان قرآن چند دسته اند

دسته اول: آن ها که فقط قرآن را درست یاد گرفته اند. در این مرتبه زیاد حفظ کردن آیات و دانستن آداب قرائت مورد توجه است

دسته دوم: آن ها که علاوه بر لفظ، معانی قرآن را هم یاد می گیرند. این مرتبه از دانستن لفظ بالاتر است

دسته سوم: عمل کردن به احکام قرآن و متخلق شدن به اخلاق قرآنی است. پس حامل حقیقی قرآن

کسی است که حامل الفاظ و معانی قرآن باشد و به صفات حسنه آن خود را آراسته نماید.
از حضرت رسول(ص) در وسایل الشیعه نقل است: "القرآنُ مَأْدِبُهُ اللهُ" یعنی قرآن خواندن نعمت خداست؛ لذا هیچکس نیست که از قرآن بهره نداشته باشد. آنکه آیات قرآن را می نویسد، آنکه مرکبش را آماده می کند، آنکه کاغزش را آماده می کند، آنکه چاپش می کند، کارگری که در کتابت قرآن دخیل است. همه و همه اگر کارشان برای خدا باشد، بهره دنیا و آخرت را خواهند برد و اگر کارشان برای دنیا باشد، بهره دنیوی خواهند برد.
امام باقر(ع) فرمودند: "قرآن به صورت نیکویی به صحرای محشر خواهد آمد و شفاعت حاملان خود". را خواهد کرد

آنچه به عنوان ادب تلاوت در روایات معصومین علیهم السلام مطرح است، رعایت قواعدی است که به کیفیت خواندن، نشستن، تلفظ، طهارت و... مربوط می شود که به آن ادب ظاهری می گویند و توجه به حالت درونی، خشوع قلبی هنگام تلاوت و درک در محضر الهی بودن و قرائت کلام نورانی و فرمان آسمانی و توجه به بایدها و نبایدهای قرآن را ادب باطنی می گویند.
برای قرار گرفتن در محضر شریف قرآن مراعات هر دو ادب ضروری است تا ازهدایت و انوار قرآن بهره مند شویم "یتلونه حق تلاوته" شناخت حق تلاوت را باید از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آموخت، زیرا ایشان مفسرین و معلمین حقیقی کلام الهی می باشند.
درسیره معصومین (ع) ادب ظاهری حفظ قداست و حریم قرآن، طهارت ظاهری، خوشبو بودن، رو به قبله بودن، سکوت کردن شنوندگان هنگام تلاوت و... نامبرده شده و قاری باید بداند که در محضر خدای احد و واحد قرار دارد و بداند که کلام الهی را تلاوت می کند یا می شنود؛ پس توجه به آن، حداقل ادب است. حضرت علی (ع) می فرمایند: بنده وقتی وضو ندارد، قرآن نخواند تا وضو بگیرد حتی برای تلاوت قرآن، مسواک زدن توصیه شده است؛ امام صادق(ع) نقل کرده اند که رسول الله می فرمایند: راه قرآن را تمیز کنید. پرسیدند: راه قرآن چیست؟ فرمودند: دهان هایتان را مسواک بزنید در سیره امامان، نگاه به صفحه قرآن عبادت است. رسول الله (ص) فرمودند که نگاه کردن به سه چیز عبادت است، که یکی از آن ها نگاه به قرآن است

سکوت هنگام تلاوت قرآن، فرمان الهی است. "واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا" وقتی قرآن

"خوانده می شود، گوش دهید و سکوت کنید

تلاوت با صوت زیبا، توصیه امامان است. رسول الله (ص) فرمودند: "هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن صدای خوب است." در روایات آمده است که حضرت باقر(ع) در تلاوت قرآن به قدری خوش صدا بودند که رهگذران را میخکوب می شدند و می ایستادند و گوش می کردند

خواندن دعای آغاز تلاوت و بعد از تلاوت، در سیره امامان مشهود است. از جمله: دعای ختم قرآن . که از امام صادق (ع) و امام سجاد(ع) نقل شده است

داشتن خضوع و خشوع هنگام تلاوت، جزو موکدات ائمه(ع) است. امام صادق (ع) در این خصوص می فرمایند: هر کس قرآن بخواند اما در برابر خدا خاضع نگردد و در دلش احساس رقت و حزن نکند، عظمت شان الهی را سبک شمرده است. در سیره امام کاظم(ع) است که ایشان هنگام تلاوت قرآن، محزون و گریان می شدند

توجه داشتن و اطاعت اوامر و نواهی قرآن جزو سیره همه معصومین (ع) است. "امام صادق(ع) می فرمایند: نگاه کن چگونه کتاب پروردگارت را می خوانی و چگونه امرها و نهی های او را پاسخ می دهی و از حدود الهی فرمان میبری. قرآن کتابی است استوار که از هیچ طرف باطلی سراغ آن نمی آید؛ نازل شده از جانب خدای حکیم و ستوده است؛ پس آن را به نیکی تلاوت کن و در مواعظش "بیندیش و مراقب باش تا با مراعات نکردن حروف آنرا تباه نسازی

بدین لحاظ قرائت صحیح مخارج و رعایت قواعد تجوید و لحن و صوت ضروری و لازم است، اما . حقیقت قرآن را بی اعتنایی کردن، نهایت غفلت و بی بصیرتی از آداب قرآن است

و ادب باطنی تلاوت قرآن از دیدگاه امامان علیهم السلام پیروی از امام است. باید امام محور بود و باید قرآن محور زیست؛ یعنی در اخلاق فردی و اجتماعی، در قانونگذاری، مدیریت، جنگ، صلح، تعلیم و زندگی و... باید دید که قرآن و امام چه می گوید و طبق آن عمل کرد. امامان پیشوای ناطقند و قرآن امام صامت. رسول الله(ص) می فرمایند: در فتنه های تاریک به قرآن چنگ زنید که شفیع شماست... هر کس قرآن را جلوی خود قرار دهد، قرآن او را به سوی بهشت راهنمایی می کند و هر

کس قرآن را پشت سرش قرار دهد، او را به جهنم سوق می دهد. قرآن بهترین راهنماست زیاد خواندن قرآن با تدبیر یک فضیلت است و بزرگان دین این گونه عمل می کردند؛ یعنی توجه به کیفیت در کنار کمیت. حضرت علی (ع) در این خصوص می فرمایند: "قرآن را با فکر بخوانید و بر دلهای سنگی خویش بکوبید تا تکان بخورد و اثر پذیرد و همت شما رسیدن به آخرسوره نباشد"^{۵۶}

حضرت علی - علیه السلام - و قرآن

حضرت علی - علیه السلام - از آغاز کاتب وحی بود و به نگهداری قرآن اهمیت بسیار می

داد، در این راستا ام سلمه (یکی از همسران رسول خدا - صلی الله علیه و آله -) می

گوید:

كَانَ جَبْرِئِلُ يُمِلُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ يُمِلُّ عَلَى عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَام -^{۵۷}

جبرئیل (سخن خدا را) به رسول خدا - صلی الله علیه و آله - املا می «

کرد و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نیز آن را به علی - علیه السلام - املا می

« کرد.

انس علی - علیه السلام - با قرآن چنان بود که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود

هَذَا عَلَى مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنِ مَعَ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَام - وَلَا يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ^{۵۸}

^{۵۶}<https://nahad.qiau.ac.ir/index.aspx?key=docs&id=2179>

مناقب ابن مغالزی شافعی، ص 253^{۵۷}

آن حضرت در عصر خلافتش شخصاً در بازارهای کوفه قدم می

زد و به راهنمایی مردم می

پرداخت، هنگامی که از کنار فروشنده‌گان عبور می کرد این آیه را مکرر می خواند:

[تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ].⁵⁹

این سرای آخرت (بهشت) را تنها برای کسانی قرار می

دهیم که در زمین اراده برتری جویی و فساد ندارند، و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است

و می فرمود:

این آیه درباره زمامداران عادل و متواضع و سایر قدرتمندان جامعه نازل شده است»⁶⁰

او به قدری با قرآن مانوس بود که حتی وقتی شمشیر کینه مفسدان بر سرش فرود آمد، اندکی از
خاک محراب را روی زخم سر ریخت و این آیه را خواند

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى⁶¹

۵۸. ینابیع الموده، ص ۵۵

۵۹. قصص، آیه ۸۳

۶۰. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۷۲

ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی گردانیم و هم بار دیگر (روز قیامت) از این خاک بیرون می آوریم.

.

محقق معروف اهل سنت محمد احمد نوای می

نویسد:

علی - علیه السّلام - همه قرآن را حفظ کرد، بر اسرارش آگاه شد و گوشت و خونس با قرآن در آمیخت، چنانکه بررسی کننده نهج البلاغه این مطلب را در می

یابد^{۶۲}

انس امام حسین - علیه السّلام - با قرآن

در بعد از ظهر تاسوعا، هنگامی که دشمن می

خواست به سوی خیام امام حسین - علیه السّلام - حمله کند، امام به حضرت ابوالفضل العباس - علیه السّلام - فرمود: به آنها (یزیدیان) بگو امشب را به ما مهلت بدهند، زیرا

خدا می

طه، آیه ۵۵^{۶۱}

منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۲۶^{۶۲}

داند که من نماز، تلاوت قرآن و دعا و استغفار را دوست دارم، امشب به ما مهلت دهند تا به مناجات، تلاوت قرآن و دعا پردازم^{۶۳}

علت وجوب سوره حمد در نماز

حضرت رضا فرمود: «اگر سؤال شود که چرا خداوند امر کرده تا در همه نمازها سوره حمد خوانده شود، در پاسخ می‌گوییم

برای اینکه قرآن متروک نشود و همواره نمازگزاران با قرآن ارتباط داشته باشند و آن را از یاد نبرند و انتخاب سوره حمد از این جهت است که همه معارف و مفاهیم قرآن در آن جمع است^{۶۴}

سیره علما و اولیاء الهی درباره انس با قرآن

شیخ مفید شبها اندکی می‌خوابید و بیشتر به نماز، مطالعه، تدریس یا تلاوت قرآن مجید می‌پرداخت^{۶۵}
محدث قمی می‌نویسد: «... میرداماد قرآن مجید را بسیار تلاوت می‌نمود به طوری که یکی از افراد مورد اعتماد برای من نقل کرده که در هر شب پانزده جزء قرآن می‌خواند^{۶۶}

نفس المهموم، ص 113 و 114⁶³

علل الشرائع، ج 1، ص 247⁶⁴

کوشر ربانی، محمد رضا ربانی، ص 107⁶⁵

سیمای فرزندگان، ص 172⁶⁶

علامه مجلسی اوّل در اجازه‌ای که برای فرزندش ملا محمد باقر (صاحب بحار الانوار) نوشته، او را به قرائت یک جزء قرآن در هر روز و... سفارش کرده است^{۶۷}

عباداتی که شیخ انصاری از سن بلوغ تا آخر عمر بر آن مداومت می کرد گذشته از فرائض... قرائت یک جزء قرآن، نماز جعفر طیار، زیارت جامعه و عاشورا در هر روز بود

سیمای فرزندگان، ص 162

علامه طباطبائی شبهای ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می کرد و بعد به دعا و قرائت قرآن، نماز و ذکر می پرداخت^{۶۸}

مرحوم اقبال لاهوری که در اواخر زندگی اش، دچار ضعف و بیماری چشم شده بود و از مطالعه نیز محروم مانده بود، تنها مونسش قرآن بود، اما با همان اندک بینایی، به قرآن می نگریست و با لذتی سرشار از ایمان، آیات را قرائت می کرد و می گفت: پدرم به من توصیه کرده است که؛ فرزندم! هر گاه قرآن می خوانی، چنان بخوان که گویی خداوند آن را بر تو نازل کرده است^{۶۹}

فیض کاشانی از قول یکی از حکیمان می گوید که ابتدا قرآن را می خواندم و لذتی نمی بردم. چندی بعد که آن را می خواندم، چنان که گویی آن را از رسول الله می شنوم که بر اصحابش می خواند. بالاتر

سیمای فرزندگان، ص 167^{۶۷}

سیمای فرزندگان، ص 164^{۶۸}

اوصاف پارسایان، ص 182^{۶۹}

رفتم و آن را از جبرئیل شنیدم که بر پیامبر - علیه السلام - می خواند. از آن هم بالاتر رفتم و اینک آن [را از خود خداوند می شنوم و لذتی می برم و تنعمی دارم که نمی توانم از آن بگذرم]^{۷۰}

علاقه امام خمینی قدس سره به تلاوت قرآن

حضرت امام خمینی قدس سره با قرآن انس بسیار داشت، در شبانه روز، به خصوص هنگام نماز شب، به تلاوت قرآن می پرداخت و در هر فرصتی که به دست می آورد، مشغول تلاوت قرآن می شد، هنگامی که در پاریس بود، وقتی خبرنگارها برای مصاحبه به محضرش می آمدند، معمولاً حدود ده دقیقه یا یک ربع برای آماده کردن دوربین هایشان معطل می شدند، امام در همین فرصت به تلاوت قرآن مشغول می شد، بعضی از حاضران می گفتند: خود را برای مصاحبه آماده کنید (یعنی فعلاً قرآن نخوانید).

فرمود: آیا در این چند دقیقه وقتم ضایع شود

علاوه بر این، هر سال چند روز قبل از ماه رمضان، حضرت امام دستور می داد برای افرادی که مورد نظر مبارکش بود، چند بار قرآن قرائت شود^{۷۱}

حتی در روزهای آخر عمر، که در بستر بیماری بود، دوربین مخفی لحظه های دشوار زندگی اش را ثبت کرد و همه دریافتند که در نیمه های شب قرآن به دست داشت و مشغول تلاوت بود

حضرت امام خمینی قدس سره به عظمت قرآن توجه عمیق و مداوم داشت و به طور جدی مقید بود تا: در ظاهر و باطن به قرآن احترام گذاشته شود، خاطره های زیر صحت این سخن را نشان می دهد

۷۰ اوصاف پارسایان، ص ۱۸۱

۷۱ سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۵، ص ۶۸ - ۷۰

1- شخصی چند قرآن به قطع کوچک (شامل چند سوره از قرآن) به خانه امام آورد تا امام آنها را تبرک کند و سپس به جبهه بفرستد.

امام که گمان می کرد، نبات یا چیز دیگری است، پرسید: داخل پاکت چیست؟
پاسخ دادند: قرآن های کوچک است، که شامل چند سوره است، آورده اند تا برای جبهه تبرک شود.
امام ناگهان به طور بی سابقه ای برآشفته، مضطربانه دستش را عقب کشید و با لحنی تند و عتاب آمیز فرمود:

من قرآن را تبرک کنم؟ این چه کارهایی است که می کنید»⁷²

2- امام به طور معمول در حسینیه جماران روی صندلی می نشست، ولی یک روز وقتی وارد حسینیه شد، با اینکه صندلی در جای خود بود، روی زمین نشست، زیرا آن روز نفرات ممتاز مسابقات قرآن آمده بودند و قرار بود در آن جلسه چند آیه از قرآن تلاوت شود⁷³

3. روزی امام طبق معمول روی صندلی نشسته بود، که قرآنی آوردند و روی زمین گذاردند، امام وقتی متوجه شد، بی درنگ آن را برداشت، روی میزی که در کنارش بود، گذاشت و فرمود: «قرآن را روی زمین نگذارید»⁷⁴

سفارش علما در انس و ارتباط با قرآن

در سایه آفتاب، ص 114⁷²

در سایه آفتاب، ص 114⁷³

در سایه آفتاب، ص 115⁷⁴

امام خمینی در صحیفه نور می‌فرماید:

و این جانب از روی جد، نه تعارف معمولی می‌گویم از عمر به باد رفته خود، در راه اشتباه و ...
جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند اسلام، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئونات قرآن
و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای
خود قرار دهید، مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها
پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده^{۷۵}

علامه طباطبایی نیز می‌فرماید:

لازم به ذکر است که افرادی که توانسته‌اند ذهن خود را پاک و صاف نموده، از خواطر مصفا ...
کنند و سلطان معرفت برای آنان طلوع نموده است، در یکی از دو حال بوده: اوّل در حین تلاوت
قرآن مجید در این فکر بودند که قاری حقیقی کیست؟ در آن وقت، بر آنان منکشف می‌شده که
قاری حقیقی قرآن، خداست.

دوّم: از راه توسل به حضرت ابا عبدالله - علیه السّلام -، زیرا آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع
طریق نسبت به سالکین راه خدا عنایتی عظیم است^{۷۶}

:علامه حسن زاده آملی نیز در این باره می‌فرماید

با قرآن بیشتر محشور باشید، در قرآن تعمق نمائید، بسیار چیزها می‌فهمید. مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيُتَوَرَّ الْقُرْآنَ،
«تثویر» به معنی شخم زدن و زیر و رو کردن است، آن کس که طالب علم و فضل است، بایستی در
قرآن تدبیر و تعمق کند^{۷۷}

صحیفه نور، ج 20، ص 20⁷⁵

رساله لب اللباب، علامه سید محمد حسین طهرانی⁷⁶

سیره امام کاظم (ع)

شیخ مفید درباره امام موسی کاظم علیه السلام می گوید: کان علیه السلام أفعه أهل زمانه حسب ما قدمناه و احفظهم لكتاب الله و أحسنهم صوتاً بالقرآن و كان اذا قرأ يحزن و يبكي السامعون لتلاوته؛ امام علیه السلام فقیه ترین فرد در زمان خود و همچنین حافظ ترین فرد نسبت به کتاب خدا و از نظر لحن و صدا آشنا ترین فرد به قرآن بوده است و هرگاه قرآن می خواند، محزون می گشت و شنوندگان نیز می گریستند.

پاسخ های قرآنی امام کاظم علیه السلام در رفتارهای روزمره

ابوحاتم گوید، شقیق بلخی به من گفت: در سال ۱۴۹ قمری به قصد حج حرکت نموده تا به قادسیه (منزلی است در پانزده فرسخی شهر کوفه).^{۷۸}

رسیدم و در حالی که کثرت مردم را نظاره گر بودم، ناگاه چشمم به جوانی خوش سیما، سبزه و لاغر اندام افتاد که روی لباس هایش پیراهنی از پشم و نعلینی در پا داشت. از این که او را به تنهایی و جدای از دیگران نشسته یافتم، پیش خود گفتم: این جوان، یکی از صوفیه است که می خواهد در بین راه بار او را دیگران بکشند؛ سوگند به خدا، نزد او می روم و توبیخش خواهم کرد. از این رو، نزدش رفتم. تا مرا دید که به سویش می روم، گفت: ای شقیق! **اجتنبوا كثيراً من الظن إنَّ بعض الظن اثم؛**^{۷۹} از بسیاری از گمان ها پرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان ها، گناه است. این را گفت و مرا رها کرد و به راه خود ادامه داد. پیش خود گفتم: این امر عظیمی است؛ زیرا او هم آنچه که در دل داشتم، به من

در محضر استاد حسن زاده آملی، ص ۱۳^{۷۷}

۷۸. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۱)

۷۹. سوره حجرات/۱۲

خبر داد و هم نام مرا بر زبان آورد، و این نیست مگر بنده ای صالح. باید به دنبالش رفته، از او بخواهم تا مرا حلال کند. بدین جهت به سرعت به دنبالش راه افتادم، اما از دیده ام پنهان شده و دیگر او را نیافتم.

اما وقتی که به واقصه (منزلی است در بین راه مکه)،^{۸۰}

رسیدیم، او را در حال نماز و نیایش یافتم که به شدت به خود می لرزید و اشکش جاری بود. پیش خود گفتم: این همان دوست من است، بهتر آنکه نزد او رفته و حلالیت بطلبم. پس منتظر ماندم تا این که نمازش پایان یافته و نشست. نزد او رفتم، وقتی مرا دید، اظهار داشت: ای شقیق! این آیه را تلاوت کن: **وَأَنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى**؛^{۸۱} من هر که را توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم. این را گفت و به راه خود ادامه داد. من نیز پیش خود گفتم: این جوان (امام کاظم علیه السلام از ابدال است؛ چرا که دو بار از اسرار درونی من سخن گفت^{۸۲}

در روایتی که طبرسی از آن حضرت نقل کرده، فرمود: **فِي الْقُرْآنِ شِفَاءٌ مِّن كُلِّ دَاءٍ**؛ در قرآن شفای تمام دردهاست^{۸۳}

حسین بن احمد منقری گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر که به یک آیه قرآن اکتفا کند و آن را برای نگهداری از خود کافی داند، از شرق تا غرب، همان آیه او را بس باشد، اگر با ایمان و عقیده باشد^{۸۴}

^{۸۰} (معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۵۴)

^{۸۱} (سوره طه/ ۸۲).

^{۸۲} (کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۸).

^{۸۳} (مکارم الأخلاق، ص ۴۲۰).

^{۸۴} (کافی، ج ۲، ص ۶۲۳).

قراءة قرآن با صدای بلند

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: به امام صادق علیه السلام عرض کردند؛ شخصی معتقد است که دعا و قرآن وقتی اثر گذار است که با صدای بلند خوانده شود.

امام در پاسخ فرمود: ایرادی ندارد؛ زیرا علی بن الحسین علیه السلام بهترین صدا را در تلاوت قرآن داشت و نیز بسیار بلند می خواند که تمام اهل خانه می شنیدند، همچنین امام باقر علیه السلام صدایش از همه مردم در تلاوت قرآن رساتر بود، و شب ها که بر می خاست و قرآن می خواند، با صدای بلند می خواند به گونه ای که رهگذران به ویژه سقاها می ایستادند و گوش می دادند^{۸۵}

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در فواید آیه الكرسي و قرائت سوره قل هو الله احد می فرماید: هر که در وقت خواب آیه الكرسي را بخواند، از ترس فلج شدن ان شاء الله ایمن خواهد بود و هر که آیه الكرسي را پس از ادای هر فریضه بخواند، گزندگان به او آسیبی نخواهند رساند. و نیز فرمود: هر که سوره قل هو الله احد را پیش از ملاقات با جبار و ستمگری قرائت کند،

خداوند شر او را دفع خواهد کرد و اگر آن را به چهار سو بخواند، خداوند نه تنها او را از شر آن ستمگر ایمن می گرداند بلکه خیر او هم به او خواهد رسید. همچنین فرمود: اگر از چیزی هراس داشتی، یکصد آیه از هر کجای قرآن که خواستی، تلاوت کن سپس سه مرتبه بگو: اللهم اکشف عني البلاء؛ پروردگارا! بلا را از من دور بگردان^{۸۶}

امام کاظم علیه السلام فرمود: یکی از پدران بزرگوارم شنید که شخصی سوره حمد می خواند. پس فرمود: وی هم شکر خدا به جای آورد و هم به پاداش رسید. بعد شنید که قل هو الله احد می خواند و فرمود: ایمان و ایمنی به دست آورد. و سپس شنید که انا انزلناه می خواند و فرمود: راست گفت و

^{۸۵} کافی، ج ۲، ص ۴۴۹

(. کافی، ج ۲، ص ۶۲۱^{۸۶})

آمرزیده شد. و سپس شنید که آیه الکرسی می خواند. فرمود: به به، آفرین! امان نامه ای برایش فرود
(.امالی، صدوق، ص ۳۶۱). آمد

آموزش قرآن در عالم برزخ

سلیمان بن داود منقری از حفص روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم به
مردی می فرمود: آیا ماندن در دنیا را دوست می داری؟ گفت: آری. امام فرمود: برای چه؟ پاسخ داد:
به خاطر تلاوت [سوره] قل هو الله احد. امام مدتی ساکت مانده و چیزی نپرسید. پس از گذشت یک
ساعت، به من فرمود: ای حفص! هر که از دوستان و پیروان ما بمیرد و قرآن را یاد نداشته باشد، در قبر
به او قرآن یاد می دهند تا به وسیله قرآن، در روز قیامت، خداوند درجاتش را افزون گرداند؛ چراکه
درجات بهشت به اندازه دانستن آیات قرآن است و به او گفته می شود: قرآن بخوان و درجات را طی
کن. پس او می خواند و بالا می رود. حفص می گوید: هیچ کس را همانند حضرت موسی بن
جعفر علیه السلام ندیدم که به شدت در هراس باشد و یا امیدوارتر. قرائت و تلاوتش از قرآن بسیار
حزین بود، و هر گاه قرآن می خواند، گویا با انسانی سخن می گوید.^{۸۷}

درسهای از قرآن بوسیله امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود: به راستی خدای تبارک و تعالی اهل خرد و فهم را در کتاب
خود مژده داده و فرموده: **فبشر عبادی الذین يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذین هداهم الله و
أولئك هم اولوا الألباب؛** (سوره زمر/۱۹). مژده بده به بندگانم، به آن کسانی که گفتار را می شنوند و
از بهترش پیروی می کنند، آنان که خدایشان هدایت می کند و آنان همان صاحب دلان اند.
ای هشام بن حکم! خدای عزوجل به وسیله عقول، حجت ها را بر مردم تمام کرد و بیان حق را به آنها
ایفا کرد و با دلیل آنها را به پروردگاری اش راه نمود و فرمود: **وإلهکم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن
الرحیم إِنَّ فی خلق السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاختلاف اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ ... لآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یعقلون**؛ (سوره

(.. کافی، ج ۲، ص ۶۰۶^{۸۷})

بقره/۱۶۲ و ۱۶۳) معبود شما یگانه است، نیست شایسته پرستش جز او، بخشاینده و مهربان است. به راستی در آفرینش آسمان ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و... نشانه هاست برای مردمی که خردمندند.

ای هشام! خداوند از این آیه، دلیلی بر شناخت خود آورده که برای آنان مدبری دیگر نیست و فرموده: **و سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنَّجْمَاتُ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ**؛ (سوره نحل/۱۲). «مسخر کرد برای شما شب و روز را و خورشید و ماه و اختران به فرمانش مسخرّند. به راستی در این، نشانه ها است برای مردمی که تعقل می کنند. انا أنزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون (سوره زخرف/۱). سوگند به کتاب مبین که ما آن را قرار دادیم قرآن عربی تا شاید تعقل کنید. **و من آیاته يريكم البرق خوفاً و طمعاً و ينزل من السماء ماءً فيحيى به الأرض بعد موتها إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ**؛ (سوره روم/۲۳). «و از نشانه های اوست که به شما برق را بنماید تا بترسید و طمع ورزید و از آسمان بارانی فرود آورد تا زمین را که مرده است، زنده کند. به راستی در این نشانه هاست برای مردمی که تعقل می کنند. ای هشام! سپس خردمندان را پند داد و به آخرت تشویقشان کرد و فرمود: **و ما الحياه الدنّيا إِلَّا لَعِبٌ و لَهْوٌ و للدار الآخرة خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**؛ (سوره انعام/۳۲). «نیست زندگانی دنیا جز بازی و سرگرمی. و هر آینه خانه آخرت است که بهتر است برای مردم با تقوا. آیا تعقل ندارید؟. ای هشام! سپس بیم داد آن کسانی را که خردمندی نکنند از عذابش و فرمود: **ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ و إِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ و بِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**؛ (سوره صافات/۹). «سپس سرنگون کردیم دیگران را و شما بامداد و شامگاه بر آنها بگذرید. آیا تعقل ندارید؟» ای هشام! سپس بیان کرد که خرد به همراه دانش است و فرمود: **و تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ و مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ**؛ (سوره عنکبوت/۴۳). و این مثل ها را زدیم برای همه مردم و تعقل نکنند. آنها را جز دانایان.

ای هشام! سپس نکوهش کرد کسانی را که خردمندی نکنند و فرمود: **و إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً و لَآيَهْتَدُونَ**؛ (سوره بقره/۱۷۰) و هر گاه به آنان گفته شود: پیروی کنید از آنچه خدا نازل کرده، گویند: بلکه پیروی می کنیم آنچه را که

پدران خود را بر آن یافتیم. آیا پدرانشان نبودند که چیزی تعقل نمی کردند و ره یاب نبودند؟ و فرمود: **إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبَكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛** (سوره انفال/۲۲) به راستی بدترین جانوران نزد خدا افراد کر و لال اند که تعقل ندارند. **وَلَنْ سَأَلْتَهُمْ مِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** **لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛** (سوره لقمان/۲۵) و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده؟ می گویند: خدا آفریده. بگو سپاس مر خدا راست، بلکه بیشترشان تعقل ندارند. سپس کثرت را نکوهش کرد و فرمود: **وَأِنْ تَطَّعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛** (انعام/۱۱۶) و اگر بیشتر کسانی که در زمین هستند را پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه سازند. **وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛** (انعام/۳۷) ولی بیشترشان نمی دانند. و فرمود: بیشترشان شعور ندارند. ای هشام! سپس کم را ستود و فرمود: **وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ؛** (سوره سبأ/۱۳) و کمی از بندگان بسیار شکر گزارند. **وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ؛** (سوره هود/۴۲) و ایمان نیاورد به او جز کمی. ای هشام! سپس صاحب دلان را به خوشتر وجهی یاد کرده و به بهترین زیوری آراست و فرمود: **يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولَ الْأَلْبَابِ؛** (سوره بقره/۲۷۲) حکمت می دهد به هر کس که بخواهد، و به هر که حکمت داده شود، خیر بسیاری به او داده شده و یادآور نشوند جز صاحب دلان. ای هشام! خدا می فرماید: **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ؛** (سوره ق/۳۶) به راستی در این قرآن یادآوری است برای کسی که دل دارد؛ یعنی عقل دارد. و فرمود: **وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ؛** (سوره لقمان/۱۱) هر آینه لقمان را حکمت دادیم؛ یعنی فهم و عقل دادیم. ای هشام! لقمان به پسرش گفت: زیر فرمان حق باش تا خردمندترین مردم باشی. پسر جانم! دنیا دریایی است ژرف و بسیاری در آن غرق اند، باید کشتی تو در آن، تقوای خدا و پر از ایمان باشد و بادبانش توکل و ناخدایش خرد و راهنمایش دانش و لنگرش صبر باشد.^{۸۹۸۸}

امام رضا علیه السلام

رجاء بن أبی الضحاک که در سفر امام از مدینه تا مرو همراه امام رضا علیه السلام بوده، در گزارشی مفصل گفته است:

امام رضا علیه السلام در اول ظهر شش رکعت نماز مستحبی می خواند که پس از سوره حمد سوره های یا ایها الکافرون و قل هو الله احد ر می خواند و در دور رکعتی که پس از نماز جعفر طیار می خواند از سوره های ملک و هل أتی استفاده می کرد. و همچنین در رکعت وتر سوره های قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس را تلاوت می کرد

و در نمازهای واجب خود پس از سوره حمد از سوره های انا انزلناه فی لیلة القدر و همچنین در ظهر جمعه سوره جمعه و سوره منافقین و در نماز عشاء در شب جمعه سوره سَبَّح و در نماز صبح روز دو شنبه و پنج شنبه در رکعت دوم پس از حمد سوره غاشیه را تلاوت می فرمود^{۹۰}

اذکار امام پس از تلاوت برخی سوره ها

محدثان و راویان حدیث نقل کرده اند که امام رضا علیه السلام پس از تلاوت برخی آیات قرآنی و یا در پایان برخی از سوره های قرآن به طور آهسته یا بلند جملاتی را بر زبان جاری می کردند که بخشی از آنها را رجاء بن أبی الضحاک برای ما نقل کرده است

[بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۴].^{۹۰}

وی می گوید: امام رضا علیه السلام در تمام نمازهای خود در شبانه روز بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می گفت و هرگاه ایه قل هو الله أحد را تلاوت می کرد، پس از آن آهسته می گفت: الله أحد و هرگاه سوره توحید را به پایان می رساند سه مرتبه می فرمود: كذلك الله ربنا

و اگر سوره جحد را می خواند آهسته می فرمود: یا ایها الکافرون، و وقتی از تلاوت سوره فارغ می شد می فرمود: ربی الله و دینی الاسلام

و هرگاه سوره والتین والزیتون را تلاوت می کرد در پایان می فرمود: بلی و أنا علی ذلک من الشاهدين. و هرگاه سوره لا اقسم بیوم القیامه را تلاوت می کرد در پایان می فرمود: سبحانک اللهم بلی. و به هنگام تلاوت سوره جمعه می فرمود: قل ما عند الله خیر من اللہو و من التجاره للذین اتقوا. والله خیر الرازقین

و هرگاه از سوره حمد فارغ می شد می فرمود: الحمد لله رب العالمین، و اگر سوره سبح اسم ربک الأعلى. و نیز اگر به ایه یا ایها الذین آمنوا می رسید، آهسته می فرمود: لیبیک اللهم^{۹۱}

تکیه گاه کلام امام رضا(ع)

امام رضا علیه السلام در تمام زمینه ها و مسائل دینی و علمی و عقیدتی و فقهی از این کتاب آسمانی و این منبع پر فیض الهی کاملاً بهره می برد. و در هر سخن یا بیان به کلام الله مجید تکیه کند. صدوق در امالی از ابو ذکوان از ابراهیم بن ابی العباس نقل کرده که می گفت: ندیدم چیزی را از امام رضا علیه السلام پرسند که جوابش را نداند؛ بلکه جواب همه چیز را می دانست و نیز دانایتر از او به زمان خویش را هرگز مشاهده نکردم.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۸۰؛^{۹۱}

مأمون پیوسته با پرسشهای گوناگون خود امام را می آزمود. اما ایشان به همه پرسشهای وی جواب می داد. تمام گفته های امام رضا علیه السلام و پاسخ های وی برگرفته از قرآن کریم بود^{۹۲}

توصیه امام رضا(ع) به اهتمام به قرآن

قرآن کریم در بین مسلمانان آنقدر رفیع است که هیچ کس نمی تواند در برابر آن بی اهمیت باشد چه رسد به مقام منیع امامت که خود حافظ دین و حامی کتاب خداست. امام رضا علیه السلام در ابعاد گوناگون از جمله بعد اجتماعی به رهنمودهای قرآن عنایت داشته اند؛ حضرت از آحاد ملت اسلامی خواسته تا اهمیت بیشتری به قرآن کریم داده و موارد زیر را در زندگی خود اعمال کنند.

امام رضا علیه السلام با سفارش به یاران خود از جمله ریان به وی فرمود: **کلام الله لا تجاوزه و لا تطلبوا الهدی فی غیره فتضلّوا؛** قرآن سخن خداست، از مرز او تجاوز نکنید و هدایت را جز در پرتو قرآن نجوید و در غیر این صورت گمراه خواهید شد^{۹۳}

تلاوت کتاب خدا

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام از پدران خود از رسول خدا نقل کرده که پیامبر(ص) فرمود: شش چیز از مروّت و جوانمردی است، سه کار در حضر و سه نوع رفتار در سفر. اما در وطن، اوّل، تلاوت کلام الله مجید؛ و دوم، آباد کردن مساجد؛ و سوم،

[امالی صدوق، ص ۶۶۰].^{۹۲}

[امالی صدوق، ص 326]^{۹۳}

اتحاد برادران در راه خدمت به جامعه. و اما آن سه امر که در سفر است: اوّل، زاد و توشه را بی دریغ در اختیار همسفران گذاشتن؛ و دوم، حُسن خلق؛ و سوم، مزاح و شوخی بدون آمیختن با هیبت.^{۹۴}

قرائت قرآن با صوت و ترتیل

قرآن زیبا است و هرچه به زیبایی اش کمک کند، بسیار پسندیده است. از جمله این که قرآن را باید با صدای رسا و صوت حسن قرائت نمود

امام رضا علیه السلام از پدراناش از رسول خدا(ص) نقل می کند: حَسَنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا؛ قرآن را با صوت نیکو زینت دهید، زیرا که صدای نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید.^{۹۵}

قرائت قرآن در ماه رمضان

محدث نوری از کتاب فقه الرضا در باب روزه آورده است که امام رضا علیه السلام فرمود: **و أَكْثَرُ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛** در این ماه شریف قرآن زیاد بخوان و فراوان بر رسول خدا صلوات و درود بفرست.^{۹۶}

[قرآن در احادیث اسلامی، ص ۵۹] ⁹⁴

[عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۹] ⁹⁵

[مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۶۷] ⁹⁶

همچنین از پدران خود از علی علیه السلام از رسول خدا نقل می کند که فرمود: **من تلافیه شهر رمضان** ایة من القرآن، **کان له مثل أجر من ختم القرآن فی غیره من الشهور؛** کسی که یک ایه از قرآن در ماه رمضان بخواند مانند یک ختم قرآن است در ماه های دیگر.^{۹۷}

ختم قرآن در مکه مکرمه

علامه محدث نوری در کتاب مستدرک آورده که در برخی از نسخه های فقه رضوی از امام رضا علیه السلام آمده است که فرمود: **فإن قدرت أن لا تخرج من مكة حتى تختم القرآن فافعل فإنه يستحب؛** اگر می توانی از مکه خارج نشوی تا قرآن را در آنجا ختم کنی، این کار را انجام بده؛ زیرا بسیار شایسته است. و این کار، یکی از مستحبات می باشد.

[مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۴]

رهنمودهای اخلاقی

امام رضا علیه السلام با الهام از کتاب خدا، درسهای اخلاقی خود را برای جامعه اسلام بویژه به منتسبان به اهل بیت بیان می فرمود

امام علیه السلام با بیان آیات مربوطه به دیگران گوش زد می کرد که هرگز انتساب به پیامبر یا امام بدون توجه به عمل و پیروی از خدا باعث نجات انسان نخواهد بود. فریب برخی از گفتارها را نخورده و راه صلاح را در پیش گیرند.

گفت و گو با زید بن موسی

[فضائل الا شهر الثلاثة، ص ۷]⁹⁷

صدوق در عیون به سند خود از یاسر خادم نقل کرده: در زمانی که امام رضا علیه السلام در خراسان بود برادرش زید بن موسی در مدینه شورش کرد و دست به آتش سوزی و ویرانی و کشتار زد. بدین جهت او را زیدالنار می گفتند

مأمون عباسی دستور جلب او را صادر کرده بدین جهت زید را اسیر و به سوی مأمون بردند. مأمون گفت: زید را به نزد امام رضا ببرند

یاسر گوید: وقتی زید را به نزد امام وارد کردند، حضرت به او فرمود: ای زید! ایا گفتار فرومایگان اهل کوفه تو را فریب داده که فاطمه دامن خود را پاک نگه داشت پس خداوند آتش را بر ذریه اش حرام کرد

خیر چنین نیست. این گفتار فقط درباره امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) است. پس اگر در خود می بینی که گناه کنی و به سوی بهشت وارد شوی و (پدرت) موسی بن جعفر خدا را اطاعت کند و داخل بهشت شود، پس تو نزد خداوند عزیزتر هستی، بدان که هیچ کس به آنچه که نزد خداوند است نمی رسد، مگر به اطاعت و پیروی از ذات حق. و اگر چنین گمانی کرده ای که با گناه و معصیت می توانی به آنها بررسی زهی خیال باطل و سخت در اشتباه هستی

زید گفت: من برادر تو و فرزند پدرت هستم؟

امام رضا علیه السلام فرمود: تا زمانی برادر من می باشی که از خداوند اطاعت و فرمان ببری. بدان که نوح پیامبر فرمود: (رب إن ابنی من أهلی و إن وعدك الحق و أنت أحکم الحاکمین، فقال الله عزوجل [یا نوح إنه لیس من اهلك إنه عمل غیر صالح]^{۹۸}

پرورد گارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم کنندگان برتری. خداوند فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست او عمل غیر صالحی است

پس خداوند فرزند نوح را به دلیل گناه و معصیت از خاندان نوح بیرون شمرد.^{۹۹}

دقت در عمل به قرآن

محمد بن یحیی بن اُبی عباد از عموی خود نقل کرده که از امام رضا علیه السلام چند بیت شعری شنیدم با اینکه سروده ها بسیار کم بود. آن حضرت فرمود

كَلْنَا تَأْمَلُ مَدًّا فِي الْأَجَلِ

وَالْمَنَایَا هُنَّ آفَاتُ الْأَجَلِ

لَا تَغُرَّنْكَ أَبَاطِلُ الْمَنَى

وَالزَّمِ الْقَصْدَ وَدَعْ عَنْكَ الْعِلَلَ

إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظَلٍّ زَائِلٍ

حَلَّ فِيهَا رَاكِبٌ ثُمَّ رَجَلَ

همه ما مردم آرزوی طول عمر را داریم، در حالی که مرگ آفت های آرزوها می باشد. پس آرزوهای باطل تو را فریب ندهند، و مواظب پیمودن راه باش و بهانه جویی ها را کنار بگذار؛ بدانکه دنیا همانند سایه از بین رفتنی است، همانند سواری است که برای لحظاتی توقف کند و سپس آنجا را ترک گوید.

گوید: عرض کردم، خداوند شما را عزیز بدارد، این اشعار از کیست؟

امام فرمود: سروده یکی از شما عراقیان است

[.عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۳۴^{۹۹}

عرض کردم: این اشعار را از زبان ابوالعتاهیه شنیدم

حضرت فرمود: نامش را بگو و این لقب را بر زبان جاری نکن، خداوند می فرماید: **(ولاتنازوا باللقاب)**^{۱۰۰}

با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید

شاید این مرد از این لقب خوشش نیاید.^{۱۰۱}

((معروف این است که ابوالعتاهیه به مرد کم عقل و گمراه و احمق می گویند و مقصود امام این بود که اکتفا به نام شاعر و سراینده کن و هرگز از لقبی که کسی کراهت دارد، استفاده نکن؛ چون مصداق فرمایش خدا که می فرماید باللقاب زشت یکدیگر را یاد نکنید، خواهی بود))

برخورد کریمانه

نویسنده تفسیر عیاشی در تفسیر خود از صفوان نقل می کند: از امام رضا(ع) اجازه گرفتم تا محمد بن خالد به محضر او شرفیاب شود. ضمناً به آن حضرت گفتم که او دست از گفته های قبلی خود برداشته و اظهار می دارد که منظورم از این ملاقات پیروی از امام است

امام رضا(ع) فرمود: او را بیاور. وقتی که فرزند خالد بر امام وارد شد، اظهار داشت: فدایت شوم! بر گذشته پشیمانم و بر نفس خود ظلم کردم

او به امام عرض کرد: من از گذشته خود استغفار می کنم و دوست دارم عذر مرا بپذیری و گذشته مرا عفو کنی. امام فرمود: آری، می پذیرم؛ زیرا اگر نپذیرم، این کار به معنای از بین بردن زحمات این و

¹⁰⁰ [حجرات / ۱۱]

¹⁰¹ {منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۸۰}

یارانش است (و سپس به صفوان اشاره کرد) و همچنین این کار مصداق گفته مخالفین است و خداوند به پیامبرش فرمود:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ (و شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ)^{۱۰۲}

به برکت رحمت الهی نرم و و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند.

سپس از حال پدرش پرسید. پاسخ داد که پدرم از دنیا رفته است. حضرت برای او نیز استغفار کرد.

منظور حضرت امام رضا(ع) این بود که اگر عذر تو را نپذیرم، گفته های صفوان درباره ما از بین خواهد رفت و این دستاویزی برای مخالفین ما نیز خواهد بود و خواهند گفت که چرا امام شما عذر یک نفر را نپذیرفت.

گمانت را به خدا نیکو کن

محدث قمی در منتهی الامال می نویسد: احمد بن عمر بن ابی شعبه جبلی و حسین بن یزید معروف به نوفلی گویند که بر حضرت امام رضا وارد شدیم و به او عرض کردیم: ما در گذشته در وسعت رزق و فراخی زندگی بودیم، لیکن حال ما دگرگون گشت (یعنی فقیر شدیم). دعا کن که خداوند حالت قبل را به ما برگرداند.

امام در پاسخ فرمود: می خواهید چگونه باشید؟ آیا می خواهید همانند پادشاهان باشید؟ آیا خوشحال خواهید بود که حالتان همانند طاهر و هرثمه [از درباریان] باشد؛ اما از نظر عقیده بر خلاف آن باشید که هم اکنون هستید؟

۱۰۲ [تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۳]¹⁰²

عرض کردیم: نه به خدا سوگند هرگز چنین حالتی ما را خوشحال نخواهد کرد، گر چه دنیا و آنچه
طلا و نقره در آن است، برای ما باشد

حضرت فرمود: حق تعالی می فرماید: **(اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ)**^{۱۰۳}

آن گاه فرمود: ظن و گمانت را به خدا نیکو کن، و هر که گمانش به خدا نیکو باشد، خداوند نزد
گمانش است. و آنکه به روزی کم راضی شد، خدا از او عمل کم را قبول می فرماید، و کسی که از
حلال به کم راضی شد مثونه اش هم سبک خواهد شد، و اهل بیت او با نشاط و باطراوت خواهند
بود، و خداوند او را به درد و درمان دنیا بینا می کند او را از دنیا به سلامت به سوی دار السلام بیرون
می برد.^{۱۰۴}

استدلال های فقهی

پیش از ولادت امام رضا(ع) امام موسی بن جعفر(ع) درباره اش فرمود که امام صادق(ع) درباره ا

و گفته: وی عالم آل محمد است

ابوالصلت گوید: محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر از پدرش نقل کرده که می گفت پدرم موسی
بن جعفر به پسران خود می فرمود: ای فرزندان من، برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد است، از
او معالم دین خود را سؤال کنید و سخنان او را حفظ کنید. همانا من بارها از پدرم جعفر بن محمد
شنیدم که به من می گفت: عالم آل محمد در صلب تو است و ای کاش او را درک می کردم

[منتهی الامال ج ۲، ص ۲۶۰]

(؛ [سبا / ۱۳] ¹⁰³

[منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۸۰] ¹⁰⁴

آری، امام رضا(ع) در همه ابعاد، عالم آل محمد بودند؛ چرا که او بزرگ ترین مرجع و پناه علمی تمام علما و فقهای زمان خود بود و همان گونه که گفته شد، تکیه گاه امام رضا(ع) قرآن کریم بوده، بدین معنی که به هر حکمی از احکام فقهی که اشاره می فرمود به دلیل آن یعنی کتاب خدا استناد و استدلال می کرد.

مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه به این موارد اشاره کرده که به بخشی از این استدلال ها بسنده می کنیم

1- درباره تحریم آواز، به این آیه استدلال می فرمود: **(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (لقمان ایه 6))**

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصّه های دروغ و افسانه های شهوت انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.¹⁰⁵

2- درباره حرمت استفاده از اموال ایتام، به آیه شریفه: **(وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ) (نساء ایه 9)**

و باید بترسند (از مکافات عمل خود) کسانی که اگر کودکان ناتوان از خود باقی می گذارند بر آنان بیم دارند، پس باید از خدا بترسند و (در حق ایتام مردم) سخن به اصلاح و درستی گویند¹⁰⁶

3- درباره جواز استفاده پدر از اموال فرزند بدون اذن او، به آیه شریفه **(يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ) (شوری ایه 49)**

[وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۰.} ¹⁰⁵

[وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص 181 ¹⁰⁶

به هر که بخواند دختر می بخشد و به هر که بخواند پسر می بخشد.^{۱۰۷}

4- درباره جواز قبول ولایت از سوی حاکم جائز در حالت ضرورت، به آیه (اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ) (یوسف ایه 55)

یوسف به شاه گفت: در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم¹⁰⁸

5- درباره علت تحریم تعلیم سحر و اجرت گرفتن در برابر آن به آیه شریفه (وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ) (بقره ایه 102)

البته به کسی زیان نمی‌رسانیدند مگر آنکه خدا بخواهد¹⁰⁹

6- به وجوب یقین به خدا در رساندن روزی، به آیه شریفه (وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزُ لَهُمَا) (کهف ایه 82)
زیر دیوار گنجی برای ایشان است¹¹⁰

7- درباره استحابت عفو و بخشش از دیگری به آیه شریفه (فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) (حجر ایه 85)
پس اعراض کن ای پیغمبر از این مشرکین اعراضی نیکو¹¹¹

¹⁰⁷ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص 197

¹⁰⁸ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص 147

وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص 107¹⁰⁹

وسائل، ج 11، ص 159¹¹⁰

پاسخ‌های قرآنی

امام رضا(ع) در طول زندگی پربرکتش با افراد و چهره‌های منفی و مثبتی رو به رو شده و با هر یک به فراخور حالش سخن گفته، و در برابر اظهار علاقه یا جسارت و بی ادبی آنها با رعایت آداب الهی و رهنمودهای قرآنی، کریمانه برخورد می کرد

در نمونه های زیر دقت فرمایید

1. روشن کردن ابهامات برای بنظی

حمیری در قرب الاسناد از فرزند عیسی از بنظی نقل کرده که به امام رضا(ع) نوشتم: من فردی از اهل کوفه هستم و خود و خانواده ام؛ با اطاعت شما به خدای متعال تقرب می جویم، بسیار اشتیاق دارم به ملاقات شما بیایم تا برخی از مسائل دین را از محضرتان بپرسم. ضمناً برخی شنیده ها وجود دارد که گروهی آنها را از شما برای ما نقل کرده اند؛ همان افرادی که گمان کرده اند پدرت هنوز زنده است و نیز گمان کرده اند که برخی از پاسخ های شما به آنها، برخلاف گفته پدرانت بوده است.

امام در پاسخ نامه اش چنین نوشت: به نام خدا. نامه ات را به من رساندند، در نامه نوشته بودی که دوست داری به ملاقات من بیایی تا برخی از مسائل برایت روشن گردد. آری باید خودت بیایی تا پاره ای از مسائل را از نزدیک با تو در میان بگذارم. اما اینکه که گفته شده: چیزهایی از من برایت نقل کرده اند که برخلاف آن است که از پدرانم رسیده، قسم به جانم که جز خدا، کران و کوران را نخواهند شنوند و هدایت نخواهد کرد

خدای می فرماید: مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضِيقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. (انعام / ۱۲۵)

[إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ]. (قصص / ۵۶)

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام گشاده می سازد و آن کس را که به سبب اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود. این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آوردند، قرار می دهد. و فرمود: تو نمی توانی کسی را که دوست داری، هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را که بخواهد هدایت می کند و او به هدایت یافتگان آگاه تر است

آنگاه امام رضا(ع) در نامه خود، به برخی اتهامات که مخالفان امام یعنی واقفیان بر او وارد کرده بودند، اشاره فرمود و به علت مخالفت برخی افراد همچون ابن السراج و ابن ابی حمزه و دیگران اشاره کرد.^{۱۱۲}

۲. پاسخ به اتهامات

صدوق در عیون و امالی از ریان نقل می کند که بر علی بن موسی الرضا(ع) وارد شدم و به او عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، مردم می گویند: تو وارد این امر شدی، با اینکه به دنیا زهد پیشه بودی

امام(ع) فرمود: خدا می داند که از پذیرش این امر کراهت داشتم، اما هنگامی که خود را بین کشته شدن یا قبول کردن ولایتعهدی مخیر دیدم، این امر را اختیار کردم. وای بر آنها! آیا نمی دانند وقتی

[قرب الاسناد، ص ۱۵۲؛] ¹¹²

که ضرورت ایجاب کرد که یوسف خزائن عزیز مصر را سرپرستی کند، به او گفت: (اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم)^{۱۱۳}

مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگه دارنده و آگاهم. من نیز به حکم ضرورت این امر را از روی اکراه و اجبار قبول کردم. گذشته از این من در این امر داخل نشدم، مگر مانند داخل شدن کسی که می خواهد از آن خارج شود. پس به خدا شکایت می کنم که اوست یار من

همچنین از حسن بن موسی روایت کرده که اصحاب ما از امام رضا(ع) روایت کرده اند که مردی به آن حضرت گفت: اصلحك الله! چرا به سوی این امر رفتی؟ گویا بر حضرت ایراد گرفته بود

امام رضا(ع) به او فرمود: ای مرد، بگو بدانم کدام افضل است: پیامبر یا وصی پیامبر؟ در پاسخ گفت: پیامبر افضل است

امام فرمود: کدام بدتر است آیا مسلمان یا مشرک؟

گفت البته مشرک بدتر است

امام فرمود: بدان که عزیز مصر مشرک بود و حضرت یوسف پیامبر خدا، و اما مأمون مسلمان و من وصی و جانشین پیامبر، و در عین حال یوسف(ع) از عزیز مصر خواست که وی را سرپرست قرار دهد، زمانی که به وی گفت: (اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم)؛ و مرا مجبور کردند بر پذیرش ولایتعهدی.^{۱۱۴}

[. عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۹] ؛^{۱۱۳}

[.. عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۸]^{۱۱۴}

3. پاسخ به برخی از صوفیان

محقق اربلی در کشف الغمه از آبی در نثر الدرر نقل کرده که گروهی از صوفیان در خراسان بر آن حضرت وارد شدند. آنان اظهار داشتند که امیرمؤمنان مأمون نظر کرد در آنان که خداوند آنها را ولی امر قرار داده. از این رو، به شما اهل بیت نظر کرد و تو را سزاوارتر از دیگری بر مردم دانست و سپس چنین دید که خلافت را به تو واگذار کند. اما امت به فردی نیاز دارد که از غذاهای سخت استفاده کند و لباس زبر و پشمینه بپوشد و بر الاغ سوار شود و به عیادت بیماران برود.

راوی می گوید: امام رضا(ع) که در آن هنگام تکیه داده بود، با شنیدن این سخنان از جای جست و فرمود: حضرت یوسف پیامبر خدا بود، اما قبایی از دیباج که به طلا مزین بود، به تن می کرد و بر تکیه گاه های فرعونیان تکیه می زد و حکم و داوری می کرد.

وای بر شما مردم از امام قسط و عدل می خواهند و اینکه اگر سخنی گفت راستگو باشد و اگر حکم و داوری کرد، به عدالت رفتار نماید، اگر وعده دهد، وفا کند؛ چرا که هرگز خداوند لباس یا غذایی را بر آنان حرام نکرده. سپس این آیه کریمه را تلاوت فرمود: **(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ)**^{۱۱۵}

؛ بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است^{۱۱۶}

استدلال بر فضیلت امیرمؤمنان(ع)

[سوره اعراف، آیه ۳۲]،^{۱۱۵}

کشف الغمه ج ۲ ص ۳۱۰^{۱۱۶}

از جمله آیاتی که امام رضا(ع) به آنها استدلال فرموده است، آیه شریفه مباهله است. در گفتگویی که مأمون با آن حضرت درباره بزرگ ترین فضیلت امیرمؤمنان داشت، امام(ع) به همین آیه استدلال کرد.

صدوق در عیون اخبار الرضا آورده که روزی مأمون عباسی به امام رضا گفت: مرا به بزرگ ترین فضیلت امیرمؤمنان که قرآن بر آن دلالت دارد، آگاه کن.

امام(ع) فرمود: همانا آیه مباهله است. خدای جل جلاله فرمود: **فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ**..^{۱۱۷}

پس رسول خدا(ص) امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را برای مباهله دعوت کرد که هر دوی آنها فرزندان او بودند و همچنین فاطمه را دعوت کرد که در آن هنگام وی جزء زنان مورد اشاره آیه بود، و نیز امیرمؤمنان را فرا خواند که به حکم آیه شریفه، نفس رسول خدا به شمار می رفت.

پس ثابت شد که هیچ یک از بندگان خدا والاتر از رسول خدا و افضل از او نبوده اند و همچنین لازم آمده که احدی افضل از نفس رسول خدا که علی بود، به دلالت آیه شریفه وجود نداشته باشد.

مأمون گفت: این استدلال درباره امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و فاطمه ۳ صحیح است، اما درباره علی(ع) درست نیست؛ چون ممکن است رسول خدا شخص خود را در حقیقت گفته باشد، نه فرد دیگری را. پس آیه فضیلتی برای امیرمؤمنان نخواهد بود.

امام رضا(ع) در پاسخ فرمود: این سخن صحیح نیست؛ چرا که شخص دعوت کننده همواره غیر از خود را دعوت می کند، نه خود را. همان طور که فرد دستور دهنده، همیشه به دیگری امر می کند نه به خود. پس این که حضرت فرمود: **فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا..**

؛ به این معنی نیست که خودمان را دعوت کنیم و وقتی که رسول خدا فردی غیر از امیرمؤمنان را در مباحثه فرانخواند، ثابت می شود که علی همان نفس پیامبر است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

مأمون که از پاسخ امام رضا(ع) شگفت زده شده بود، گفت وقتی که جواب آمد، سؤال جایگاه خود را از دست می دهد^{۱۱۸}.

زنی که در زمان پیامبر(ص) معلم قرآن بود

«امّ ورقه ملقب به شهیده یکی از معلمان قرآن و از نخستین زنان حافظ قرآن در عهد رسول خدا(ص) بود. وی امامت جماعت زنان مسلمان را بر عهده داشت و پیامبر اکرم(ص) هرازگاهی با چند تن از یارانشان به دیدار او می رفتند. آن حضرت او را «شهیده» می نامیدند، زیرا در هنگامه جنگ بدر به رسول خدا(ص) گفت: اجازه دهید تا در رکاب شما به جبهه بیایم و به مداوای مجروحان و پرستاری بیماران پردازم، شاید که خداوند مرا به شهادت نائل گرداند. آن حضرت نیز به او وعده شهادت در راه خدا داده بودند.

حضرت رسول اکرم(ص) به او دستور دادند تا در خانه اش برای زنان مسلمانی که به خانه او رفت و آمد داشتند، نماز جماعت بر پا کند. شهیده تا زمان خلافت عمر زنده ماند. او کنیز و غلامی داشت که قرار

الفصول المختاره، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۴۹ ص ۱۸۸^{۱۱۸}

بود آن دو طبق وصیتش پس از مرگش در راه خدا آزاد شوند. اما آن دو
شبانہ بر او حملہ بردند و او را کشتند. عمر گفت: رسول خدا (ص) راست
می گفتند کہ: بیاید با ہم بہ دیدار «شہیدہ» برویم.^{۱۲۰}